نام كتاب : سجاده عشق در فضيلت نماز شب

نويسنده : محمد مهدى عليقلى

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

# تقديم به محضر مقدس :

شير زن كربلا دختر امير المومنين عليه‌السلام حضرت زينب كبرى عليها‌السلام كه حتى نماز شب را در هنگام اسيرى به جا آورد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| رها كن اين تن خاكى رها كن |  | دلت را با حقيقت آشنا كن |
| وضويى گير و بر سجاده عشق |  | خدا را با دلى روشن صداكن |

محمد كريم جوهرى

من مولانا اميرالمومنين على عليه‌السلام فى المناجات :

الهى كفى بى عزا ان اكون لك عبدا و كفى بى فخرا ان تكون لى ربا انت كما احب فاجعلنى كما تحب

خداوندا مرا اين عزت بس كه بنده تو باشم. و اين افتخار بس كه پروردگارم تو باشى. الهى تو آن چنانى كه من دوست دارم پس مرا آنچنان قرار ده كه تو دوست دارى.

# نماز شب در كلام مقام معظم رهبرى

نماز شب بخوانيد و آن هم نماز شب با توجه ؛ نماز شبى كه مى فهميد چه مى كنيد، نه نمازى كه در آن توجه نباشد. نماز شب بايد با توجه و عنايت باشد اثر نماز شب در شما كه جوان هستيد، بسيار زيادتر از نماز شبى است كه من مى خوانم.

اين اثرات را حفظ كنيد و چيزهايى كه براى هدف و تكاملتان لازم است، فرا بگيريد و ايام را از دست ندهيد كه اين ايام و اين فرصت ها، قابل بازگشت نيست. (1)

# مقدمه حضرت آية الله جعفر سبحانى دام عزه

بسم الله الرحمن الرحيم

نيايش در دل شب

روح روان انسان در قلمرو زندگى گرفتار هوا و هوس ها مى گردد، غوغاى زندگى در روز، مجال توجه عميق به سرچشمه هستى را نمى دهد، ولى در دل شب، آنگاه كه همه ديدگان در خواب شيرين فرو مى روند و سكوت مرموزى محيط زندگى را فرا مى گيرد، فرصت آن مى رسد كه انسان بستر گرم را ترك كرده، و پيوند معنوى خود را با مبدا وجود محكمتر و استوارتر سازد و زنگار روزانه زندگى را از روح روان با اشك ديده پاك نمايد و هوا و هوسها را با ژرف نگرى در زندگى كوتاه به اميدهايى در سراى ديگر تبديل نمايند.

روح انسان بسان بركه اى است كه در برابر آفتاب سوزان به تدريج تبخير شده و به سرزمين خشك مبدل مى گردد، و يا بر اثر واماندگى از آب تازه دچار آلودگى مى شود ولى اگر اين بركه با رودهاى در حال جريان، و يا درياچه و دريايى در ارتباط باشد نه هستى او پايان مى پذيرد و نه دچار آلودگى مى گردد.

انسان هر چه لبريز از قداست و معنويت باشد، سر انجام از نظر سرمايه محدود است. فشار روزگار و خواسته هاى نفس، مايه كاهش سرمايه ها مى گردد ولى اگر با داشتن چنين سرمايه اى، پيوسته با مبدا فيض آن هم در دل شب در ارتباط باشد، سرمايه معنوى كاهش نيافته بلكه افزايش ‍ مى يابد.

از اين جهت پيامبر گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله يكتا شاگرد مكتب خود اميرالمومنان عليه‌السلام را به نماز شب سفارش مى كند و مى فرمايد: «عليك بصلاة الليل (2)» بر تو باد به نماز شب و در حديث ديگر مى فرمايد:

كرامت و عزت مومن در دو چيز است نيايش در دل شب و خوددارى از عرض و ناموس مردم (3)

پيشوايان معصوم عليه السلام ياد آور مى شوند كه نماز شب پاك كننده آلودگيهاى روز است. (4)

كتاب حاضر كه به خوانندگان شوريده دلى كه به پرورش روح و روان در سايه تهجد در دليل و نيايش در شب، علاقمندند، تقديم مى شود شما را با برنامه هاى نيمه شب مردان خدا و آثار سازنده آن آشنا مى سازد و با خواندن اين دفتر به نام «سجاده عشق» روشن مى شود كه چرا نيايش ؛ در دل شب سنت پيامبران و داءب صالحان بوده است. (5)

اين اثر دينى و اخلاقى را به مولف گرامى آن، آقاى محمد مهدى عليقلى تبريك گفته و علاقه مندان به تهذيب نفس و پرورش روح را به مطالعه اين كتاب سفارش مى كنيم و گفتار خود را با آيه مباركه : ان ناشئه الليل هى اشد وطاء و اقوم قيلا (6) به پايان مى رسانيم.

والسلام

قم - موسسه تحقيقاتى و تعليماتى امام صادق عليه‌السلام

جعفر سبحانى

21/12/74

برابر با بيستم شوال 1416

با تشكر از استاد بزرگوار آيت الله جعفر سبحانى كه مقدمه اى بر اين كتاب مرقوم فرموده اند.

مولف

# مقدمه

عبادت و راز و نياز با معبود، آن هم در دل شب، براى «اهل دل» لذتى فوق العاده و غير قابل وصف دارد!

آنان كه توفيق شب زنده دارى نصيبشان گشته و قطره اى از محبت پروردگار بر مشام جانشان رسيده است تمام دنيا و آنچه در آن است، در نظرشان حقير است.

سيدالساجدين امام زين العابدين در مناجات با حضرت حق، عرضه مى دارد: «اى معبود من! كيست كه شيرينى محبتت را چشيده باشد و آنگاه از تو رويگردان گشته و ديگرى را به جاى تو مقصد و محبوب خود قرار دهد؟

و كيست كه با قرب تو مانوس گشته باشد و آنگاه آرزوى دل به ديگرى بستن و به غير تو پيوستن را به سر ضمير خويشتن راه دهد» (7)

آرى هنگام «شب» براى خلوت با «محبوب» و راز دل گفتن با «معبود» و قرار دادن جان در رهگذر نفحات الهى است و تقرب يافتن به پروردگار و عرض نياز عاشقانه به درگاه خدا بهترين فرصت است.

رمز موفقيت همه انبيا و اوليا و صلحا و علما مناجات در دل شب بوده است، اكثر عنايات ربانى بر انبيا عظام در سحرگاهان روى داده است.

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله در دل شب مبعوث گرديد و در دل شب به معراج رفت. حضرت موسى عليه‌السلام در چهل شب، در وادى طور به لقا پروردگار نايل شد.

آرى عاشقان حضرت حق، پيوسته انتظار مى كشند كه وقت شب فرا رسد و پرده ظلمت شب بين آنان و ديگران حائل گردد تا خلوتخانه انس با حضرت معبود تشكيل دهند.

اينك كه به فضل الهى و به بركت انقلاب اسلامى ايران، نسل جوان در جامعه اسلامى ما به خودسازى و ارتقا در مسير «تقرب به خدا» روى آورده و تشنگان معارف «قرآن» و «عترت» بسيار ديده مى شوند. لذا كتاب حاضر كه مجموعه اى از «آيات» و «روايات» در فضيلت احكام و آداب نماز شب به همراه چهل داستان از سيره معصومين عليه‌السلام و علما و بزرگان دين (ره) است به منظور تذكر و تشويق بيشتر «نسل جوان خداجو» تهيه و تدوين شده است بدان اميد كه به لطف پروردگار و دعاى امام زمان (عج) اثرى در دلها بگذارد و مقبول درگاه خداوند بزرگ و اوليا كرامش واقع شود.

بارالها، به حق محمد و آل محمد عليهم‌السلام خاصه حضرت بقية الله الاعظم امام زمان (عج) توفيق مناجات و خلوت با خودت را نصيب ما بگردان. آمين يا رب العالمين

محمد مهدى عليقلى

# بخش اول : در فضيلت، احكام و آداب نماز شب

## فصل اول : نماز شب از ديدگاه قرآن

1- و من الليل فتهجد به نافلة لك عسى ان يبعثك ربك مقاما محمودا (8)

در هنگام شب برخيز و نماز بخوان و قرآن قرائت كن باشد كه پروردگارت به تو مقام محمود و ستودگى عطا فرمايد.

مفسرين در تفسير مقام محمود مى گويند: اين مقام شفاعت است و عده اى ديگر گفته اند اين مقام مقامى است كه در بهشت به تو داده خواهد شد.

2- امن هو قانت اناء الليل ساجدا و قائما يحذرالاخره و يرجوا رحمة ربه (9)

آيا انسان ناسپاس بهتر است يا كسانى كه در دل شب سجده مى كند و خداى را سپس مى گويد، و قنوت خوان است و او از وحشت عذاب آخرت به اميد رحمت خداوند بر پا مى ايستد و نماز مى خواند.

3- كانو قليلا من الليل ما يهجعون و بالاسحارهم يستغفرون (10)

آن پرهيزگارانى كه بى گمان در بهشت مكان داده شده اند آنهايى هستند كه شبها كم مى خوابند و سحرگاهان به استغفار و طلب آمرزش مى پردازند. اين عابدان شب زنده دار شب را كم مى خوابند و به عبادت مشغول مى شوند، اما به عبادت خود مغرور نيستند و در هنگام سحر از خداوند طلب آمرزش ‍ مى كنند.

4- تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفا و طمعا و مما رزقناهم ينفقون (11)

آنها پهلوهاى خود را از بستر گرم بر مى گيرند، و از خوابگاه خوش دورى مى گزينند و خالق و رب خويش را مى خوانند و از ترس گناهان خويش به رحمت او چشم مى دوزند و از آن چيزى كه خدا قسمت كرده و روزيشان نموده است انفاق مى كنند.

5- ان ناشئة الليل هى اشد وطا و اقوم قيلا (12)

خواندن آيات و نماز و راز و نياز كردن با خداوند و هم صحبت شدن با او در دل شب استوارتر و بهتر است.

6- و من الليل فاسجد له و سبحه ليلا طويلا (13)

و در پاسى از شب او را سجده و او را شب هاى دراز به پاكى ستايش نما.

7- و اذكر اسم ربك بكرة و اصيلا (14)

نام خدا و رب و پروردگارت را هر بامدادان و هر شامگاهان ياد كن.

8- الصابرين و الصادقين و القانتين و المنفقين و المستغفرين بالاسحار (15)

اين بندگان، صابر و شكيبا در بلايا و سختى ها، راست گفتار و فرمانبر در هر حال و انفاق كنندگان از اموال و آمرزش خواهان در سحرگاهان.

پس بندگان واقعى خداوند هم صابرند و هم صادق هم فرمانبر از امر خدايند و هم انفاق كننده و هم استغفار كننده در سحرگاهان و ما مى دانيم در نماز شب و در نماز وتر مستحب است هفتاد بار استغفار شود.

9- ليسوا سواء من اهل الكتاب امة قائمة يتلون ايات الله اناء الليل و هم يسجدون (16)

اهل كتاب همه يكسان نيستند، بلكه عده اى از آنها هستند كه قيام به حق و ايمان مى كنند و پيوسته در اوقات شب آيات خداوند را تلاوت مى نمايند در حالى كه سجده مى نمايند.

10- والذين يبيتون لربهم سجدا و قياما (17)

و آنان كه براى رضاى پروردگار خويش شب ها يا در حال سجده هستند و يا اينكه ايستاده اند آنها شب را تا به صبح بيدارند و خدايشان را عبادت مى كنند.

11- قم الليل الا قليلا نصفه اوانقص منه قليلا (18)

بر خيز شب (براى عبادت و نماز) مگر اندكى (كه در اين اندك فقط بخواب) نيمى از آن را يا كم كن از آن اندكى.

12- «والشفع و الوتر (19)»

سوگند به شفع و سوگند به وتر.

كلمات شفع و وتر را معانى مختلفى كرده اند كه از جمله معانى، شفع اشاره به نماز دو ركعتى و وتر نماز يك ركعتى در اين فريضه الهى است.

## فصل دوم : نماز شب در احاديث معصومين عليه‌السلام

### الف : اهميت نماز شب

1- محبوبترين چيزها در نظر پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله

عن النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله قال : الركعتان فى جوف الليل اءحب الى من الدنيا و ما فيها (20)

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: دو ركعت نماز در شب پيش من از دنيا و آنچه در آن است محبوتر است.

2- سفارش جبرئيل عليه‌السلام:

عن النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله قال : ما زال جبرئيل يوصينى بقيام الليل حتى ظنت اءن خيار امتى لن يناموا من الليل الا قليلا. و قال : اشراف امتى حمله القرآن و اصحاب الليل (21)

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود هميشه جبرئيل مرا به خواندن «نماز شب» سفارش مى كرد. تا آنجا كه گمان كردم خوبان امتم شب را مگر اندكى نمى خوابند.

و نيز فرمود: شريفترين امت من اهل قرآن و شب زنده دارند.

3- زينت آخرت :

عن الامام الصادق عليه‌السلام قال : ان الله عزوجل قال : المال و البنون الحياة و ان الثمانى ركعات يصليها العبد آخر الليل زينة الاخرة (22)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال فرمود: ثروت و فرزندان زينت دنيا است ولى هشت ركعت نمازى كه آدمى در آخر شب مى خواند زينت آخرت است.

4- شرف مومن

عن الامام الصادق عليه‌السلام قال : شرف المومن صلوته بالليل و عزه كف الاذى عن الناس. (23)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شرف مومن، نماز شب اوست و عزت او خودارى از آزار مردم.

5- چراغ قبر

عن النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله قال : صلوة الليل سراج لصاحبها فى ظلمة القبر (24)

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: نماز شب براى صاحبش چراغى مى شود در تاريكى قبر.

6- لقا پروردگار

عن الامام حسن عسكرى عليه‌السلام قال : ان الوصول الى الله عزوجل سفر لا يدرك الا بامتطا الليل. (25)

امام حسن عسكرى عليه‌السلام فرمود: رسيدن به قرب و لقا پروردگار عزوجل سفرى است كه جز با مركب «تهجد شب» پيمودن راه به مقصد ممكن نيست.

7- نور مومن در قيامت

عن النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله قال : سبب النور فى القيامه، الصلوة فى جوف الليل. (26)

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: نور مومن در روز قيامت، نماز در دل شب مى باشد.

8- مباهات فرشتگان

عن النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله قال : اذا قام العبد من لذيذ مضجعه و النعاس فى عينيه ليرضى ربه - جل و عز - بصلوة ليله باهى الله به ملائكته، فقال : اما ترون عبدى هذا، قدم قام من لذيذ مضجعه الى صلاه لم افرضها عليه، اشهدوا انى قد غفرت له (27)

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هنگامى كه بنده از خوابگاه لذت بخش خود براى اقامه نماز شب به خاطر جلب خشنودى خدايش برخيزد در حالى كه بقاياى خواب در چشمانش مى باشد، خداوند بر فرشتگان مباهت ميكند و درباره او مى فرمايد: آيا نمى نگريد اين بنده ام را كه از خواب شيرين خود دست برداشته و به نمازى كه بر او واجب نكرده ام برخاسته است؟! گواه باشيد كه من او را آمرزيدم.

9- بيدار كردن ديگران

عن النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله قال : رحم الله رجلا قام من الليل فصلى و اءيقظ امراءته فصلت فان اءبت نضح فى وجهها الماء. رحم الله. امراءة قامت من الليل فصلت و اءيقظت زوجها فان ابى نضحت فى وجهه الما. (28)

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خدا رحمت كند مردى را كه شب از خواب برخيزد و نماز شب بخواند و همسرش را نيز بر اين عمل تشويق نمايد و اگر بيدار نشد (با اجازه قبلى او) به صورت وى آب بپاشد و او را بيدار كند و خدا بيامرزد زنى را كه در شب برخيزد و نماز شب بخواند و شوهرش را نيز بدين عمل وادار كند و اگر از جاى برنخواست (بااذن قبلى او) آب به صورتش بپاشد تا او را بيدار كند.

10- خوابيدن به نيت نماز شب

عن النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله قال : ما من عبد يحدث نفسه بقيام ساعة من الليل فينام عنها الا كان نومه صدقة تصدق الله بها عليه و كتب له اءجر ما نوى (29) پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: كسى كه به نيت بيدار شدن براى نماز شب بخوابد خواب او نوعى صدقه بشمار مى آيد و خداوند متعال براى او پاداش نماز شب را مقرر مى دارد.

11- غرفه هاى بهشتى

عن النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله قال : ان فى الجنة غرفا يرى ظاهرها من باطنها من ظاهرها يسكنها من امتى من اءطاب الكلام و اءطعام و اءفشى السلام و اءدام الصيام و صلى بالليل و الناس نيام (30)

پيامبراكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: در بهشت غرفه هايى است كه داخل آن از بيرون پيدا است و نيز بيرون آن از درون نمايان است و در آن افرادى از امت من اسكان مى يابند كه سخن شايسته بر زبان مى آورند، و به اطعام طعام مى پردازند، و بر ديگران آشكارا اسلام مى كنند، هميشه روزه دارند و در شب هنگام، آنگاه كه همگان بخوابند به نماز شب برمى خيزند.

12- پاداشى كه در قرآن به چشم نمى خورد:

عن الامام صادق عليه‌السلام قال : ما من عمل حسن يعمله العبد الا و له ثواب فى القران الا صلاة الليل، فان الله لم يبين ثوابها لعظم خطرها عنده فقال : تتجافى جنوبهم عن المضاجع... فلا تعلم نفس ما اخفى لهم من قره اءعين جزاء بما كانوا يعملون. (31) (32)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پاداش همه اعمال نيك در قرآن آمده است. جز نماز شب و ثواب نماز شب را خدا به جهت عظمت آن بيان نكرده، و تنها در مدح اهل نماز شب فرمود: «آنان در نيمه هاى شب از خوابگاه خود بر مى خيزند...» پس هيچ كس نمى داند چه نوع پاداش ‍ ارزشمندى براى او بجهت اين كردارهاى نيكى كه انجام داده، در نظر گرفته شده است. (33)

### ب : آثار و فوايد نماز شب

1- زيبايى سيما: سئل على بن حسين عليه‌السلام: ما بال المتهجدين بالليل من اءحسن الناس وجها؟

قال : لانهم خلوا بالله فكساهم الله من نوره (34)

از امام سجاد عليه‌السلام پرسيدند: چرا صورت اهل نماز شب از طراوت و زيبايى ويژه اى برخوردار است؟

امام عليه‌السلام پاسخ داد: زيرا آنها با خداى خود خلوت كرده اند و خدا هم آنان را با نور خود مزين ساخته است.

2- نشاط روحى :

عن النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله: قال يا على ثلاث فرحات للمومن : لقاء الاخوان، الافطار من الصيام، والتهجد من آخر الليل (35)

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به اميرالمومنين عليه‌السلام فرمود: سه چيز مايه انبساط خاطر و باعث شادى مومن است : 1- ديدار دوستان، 2- افطار كردن روزه، 3- عبادت و شب زنده دارى در پايان شب.

3- سرگرمى سالم :

قال الباقر عليه‌السلام: لهو المومن فى ثلاثه اءشيا: التمتع بالنساء و مفاكهة الاخوان و الصلاة بالليل. (36)

امام باقر عليه‌السلام فرمود: بازى و سرگرمى مومن در سه چيز است : 1- كامجويى از همسر، 2- شيرين كارى در جلسه دوستان، 3- خواندن نماز شب.

4- آمرزش :

عن الصادق عليه‌السلام قال : صلاة المومن بالليل تذهب بما عمل من ذنب بالنهار. (37)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نماز شب گناهان انسان را از بين مى برد.

5- سلامتى و عافيت بدن :

و فى الحديث : الصوم والسفر و صلاة الليل و امرار اليد فى موضع السجود و المسح بها الوجه و ما نالته من البدن و البدئة بخنصر اليد اليسرى فى تقليم الاظفار والختم بخنصر اليمنى. (38) در حديث آمده است : روزه و مسافرت، و نماز شب، و دست كشيدن بر پيشانى و مسح صورت، و كوتاه كردن ناخن از انگشت كوچك دست چپ و ختم آن به انگشت كوچك دست راست از عوامل تندرستى به حساب مى آيند.

6- افزايش رزق و روزى :

لا تدع قيام الليل، فان المغبون من حرم قيام الليل. ان الرجل ليكذب الكذبة فيحرم بها صلاة الليل، فاذا حرم صلاة الليل حرم بها الرزق.

ليس منا من لم يصل صلاة الليل (39)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از نماز شب دست برمدار زيرا كسى كه از نماز شب باز ماند زيانكار است، و بسا انسان در زندگى مبتلا به دروغ گفتن مى شود و از خواندن نماز شب محروم مى ماند و از رزق و روزى حلال او كاسته مى شود.

و نيز امام عليه‌السلام: از ما نيست آنكه اهل نماز شب نباشد.

7- خشنودى خدا:

عن النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله قال : ثلاثة يضحك الله اليهم : الرجل اذا قام بالليل يصلى، والقوم اذا صفوا فى الصلاة و القوم اذا صفوا فى قتال العدو (40)

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سه گروهند كه خداوند از آنان خوشنود است :

1- كسى كه نماز شب مى خواند 2- جمعى كه نماز جماعت تشكيل مى دهند، 3- دسته اى كه در برابر دشمن، در راه خدا صف آرايى كرده اند.

8- رفع كسالت ها:

عن الصادق عليه‌السلام قال : عليكم بصلاة الليل، فانها سنة نبيكم و داءب الصالحين قبلكم و مطردة الداء عن اجسادكم (41)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بر شما باد به خواندن «نماز شب» زيرا اين عمل، سنت پيامبر شما و سيره صالحان و راستان است و بدن شما را از كسالت دور مى سازد.

9- پرداخت قرض ها:

عن الصادق عليه‌السلام قال : صلاة الليل تحسن الوجه و تحسن الخلق و تطيب الريح و تدر الرزق، وتقضى الدين، و تذهب بالهم، و تجلو البصر (42)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نماز شب باعث زيبايى سيما، و نيكويى اخلاق و خوشبويى بدن و فراوانى رزق و مايه اداى «قرضها» و موجب از بين رفتن غم و باعث تقويت نور چشم است.

10- نورانيت منزل :

عن الصادق عليه‌السلام قال : ان البيوت التى يصلى فيها بالليل بتلاوة القرآن تضى لاهل السما كما تضى نجوم السماء لاهل الارض (43)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خانه اى كه در آن نماز شب خوانده مى شود و تلاوت قرآن مى گردد در نظر اهل آسمان نورانى است. چنانكه اهل زمين، نورانيت ستارگان را مى بينند.

11- نورانيت دل :

عن النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله قال : يا على خمسة تنور القلب : كثرة قرائة قل هو الله اءحد، و قلة الكلام، و مجالسة العلما، و الصلاه فى الليل : و المشى الى المساجد (44)

پيامبر اكرم (صلى الله عليه آله) فرمود: يا على پنج چيز دل را نورانى مى كند: 1- كثرت تلاوت سوره قل هو الله احد، 2- كم گويى، 3- مجالست با علما، 4- نماز شب، 5- گام نهادن در راه مسجد.

12- خشنودى در قيامت :

عن الصادق عليه‌السلام قال : كل عين باكية يوم القيامة الا ثلاثه : عين غضت عن محارم الله و عين سهرت فى طاعة الله و عين بكت فى جوف الليل من خشية الله (45)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در قيامت همه چشمها گريان است مگر سه چشم :

1- چشمى كه از (ديدن و نظر به) آنچه خداوند حرام كرده بر هم نهاده شده. 2- چشمى كه در راه طاعت خداوند بيدارى كشيده، 3- چشمى كه در دل شب از ترس خدا گريسته است.

### ج : فوايد ديگر نماز شب

دوستى خدا

يابن عمران، كذب من زعم انه يحبنى فاذا جنه الليل نام عنى ؛ اليس كل محب يحب خلوة حبيه؟ ها اناذا يا ابن عمران مطلع على احبائى اذا جنهم الليل حولت ابصارهم فى قلوبهم و مثلت عقوبتى بين اعينهم يخاطبونى عن المشاهدة و يكمونى عن الحضور

يابن عمران هب لى من قبلك الخشوع و من بدنك الخضوع و من عينيك الدموع فى ظلم الليل وادعنى فانك تجدنى قريبا مجيبا (46)

اى پسر عمران، دروغ مى گويد آن كسى كه گمان مى كند مرا دوست دارد در حالى كه چون شب فرا مى رسد از من چشم مى پوشد و به خواب مى رود! آيا نه مگر چنين است كه هر عاشقى خلوت با معشوقش را دوست مى دارد؟

هان اى پسر عمران، اين منم كه بر دوستانم مطلعم ؛ چون شب آنان را فرا گيرد و چشم دلشان را دگرگون مى سازم (كه جز من چيزى نمى بينند) و عقوبتم را در مقابل ديدگانشان مجسم مى كنم (بدان گونه كه) از راه شهود و رويارويى با من به مخاطبه مى پردازند و حضورا با من به گفتگو مى نشينند.

اى پسر عمران، در دل شبهاى تار از دلت خشوع و از تنت خضوع و از چشمانت قطرات اشك نثار من بنما و مرا بخوان كه مرا به خود نزديك و اجابت كننده دعوتت خواهى يافت.

سحر نزديكترين ساعات انسان به خدا

عن ابن ابى يعفور، عن ابى عبدالله عليه‌السلام قال : قلت له : اخبرنى، جعلت فداك اى ساعة يكون العبد اقرب الى الله و الله منه قريب؟ قال : اذاقام فى آخر الليل و العيون هادئه فيمشى الى وضوئه حتى يتوضاء باسبغ وضوء ثم يجيى ء حتى يقوم فى مسجده فيوجه وجهه الى الله و يصف قدميه و يرفع صوته و يكبر و افتتح الصلوه فقراء اجزا و صلى ركعتين و قام ليعيد صلوته ناداه مناد من عنان السماء عن يمين العرش :

ايها العبد المنادى ربه، ان البر لينشر على راءسك من عنان السماء و الملائكة محيطة بك من لدن قدميك الى عنان السماء والله ينادى : عبدى لو تعلم من تناجى اذا ما انفتلت.

قال : قلت جعلت فداك يابن رسول الله ما الانفتال؟

قال : تقول بوجهك و جسدك لهكذا، ثم ولى وجهه فذلك الانفتال

ابن ابى يعفور (راوى حديث) مى گويد به حضور امام صادق عليه‌السلام عرضه داشتم قربانت شوم بفرمائيد آن ساعتى كه نزديكترين ساعات انسان است به خدا و خدا به او نزديك است كدام ساعت است؟ فرمود:

چون آخر شب برخيزد در حالى كه چشمها در خوابند، وضويى شاداب گرفته و در عبادتگاه خود بايستد و با توجه قلبى به خدا تكبير نماز گفته و با تلاوت فرازهايى از قرآن دو ركعت نماز به جاى آورده و آنگاه برخيزد براى ادامه نماز، در اين هنگام از سوى آسمان از جانب عرش، اين ندا برخيزد: اى بنده خدا خوان، الان، احسان و خير از جانب عالم ملكوت بر سرت در حال فروريختن است، فرشتگان از كنار قدمهايت تا عنان آسمان اطرافت را گرفته اند و خداى مهربان ندا مى كند:

اى بنده من اگر بدانى با كه در حال گفتگو و راز نيازى، انفتال از خود نشان مى دهى.

راوى مى گويد: عرض كردم اى فرزند پيامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله فدايت شوم مقصود از (انفتال) چيست؟

امام على عليه‌السلام در حالى كه صورت خود را به سمت پشت سر مى چرخانيد، فرمود: انفتال اين است كه صورت و بدنت را برگردانى. (47)

(محتمل است كنايه از انصراف دل و توجه به غير خدا باشد)

ظلمت شب براى عاشقان نور آفرين است.

عن المفضل بن عمر، عن الصادق جعفر بن محمد، عن ابيه، عن ابائه عليهم السلام قال : قال رسول الله : ان الله جل جلاله، اوحى الى الدنيا ان اتعبى من خدمك و اخدمى من رفضك، و ان العبد اذا تخلى بسيده فى جوف الليل المظلم و ناجاه، اثبت الله النور فى قلبه فاذا قال يا رب، ناداه الجليل جل جلاله لبيك عبدى سلنى اعطك و توكل على اكفك ثم يقول جل جلاله لملائكته : ملائكتى انظروا الى عبدى فقد تخلى فى جوف هذا الليل المظلم و البطالون لاهون والغافلون نيام اشهدوا انى قد غفرت له

مفضل بن عمر از حضرت صادق عليه‌السلام و آن بزرگوار از پدرش، از پدران بزرگوارش عليه‌السلام نقل مى كند كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند جل جلاله به دنيا وحى كرد: هر كس در خدمت تو باشد، تو را به رنج و تعب بيانداز و هركس كه تو را رها كند، تو در خدمت او باش و هرگاه بنده در دل شب تار، با مولاى خود خلوت كند و با او به راز نياز پردازد، خداوند نور را در دل او جايگزين فرمايد.

و چون بگويد اى رب و اى رب من، خداوند جليل جل جلاله صدايش ‍ كرده و گويد لبيك (بله بله) اى بنده من، بخواه از من تا عطايت كنم به من توكل نماى تا كفايتت كنم، سپس خداوند جل جلاله به فرشتگانش ‍ مى فرمايد: اى فرشتگان من، بنده ام را بنگريد، در دل اين شب تيره با من خلوت كرده است در حالى كه بطالت پيشگان به لهو و لعب مشغولند و غفلت زدگان در بستر خواب خفته اند، اينك گواه باشيد كه من به طور حتم او را آمرزيدم. (48)

خداوند مشتاق كيست

خداوند متعال به يكى از صديقين وحى نموده كه براى من بندگانى هستند كه مرا دوست مى دارند و من هم آنها را دوست مى دارم، آنان مشتاق من، و من هم مشتاق آنها هستم، و آنها مرا در ياد دارند و من هم به ياد آنان هستم، آنها به من نظر دارند، و من هم به آنها نظر دارم، پس اگر تو قدم جاى قدم آنها بگذارى، تو را هم دوست خواهم داشت و اگر از راه آنها منحرف شوى عقوبتت خواهم نمود.

آن صديق گفت : معبود من نشانه آنها كه مورد توجه تو هستند چيست؟

خطاب رسيد: آنان روزها همچون چوپان مهربانى كه مواظب گوسفندان خود هست به سايه مى نگرند و منتظر آمدن شب هستند، و همان گونه كه پرندگان هنگام غروب با شور و شوق عازم آشيانه خود مى گردند. اينان هم با همين حال به استقبال غروب خورشيد مى روند، پس آنگاه كه شب فرا رسيد، و تاريكى همه جا را فرا گرفت، و فرش ها پهن و همه گرد هم جمع شدند و هر دوستى با دوست خود خلوت نمود اينان در برابر من به پاى مى ايستند و صورتهاى خود را بر خاك مى نهند، و با تلاوت آيات قرآن به مناجات و گفتگوى با من برمى خيزند، و نعمتهاى مرا سپاس مى گويند پس ‍ آنان را مى بينى كه گاه گريه مى كنند، و گاه شيون سر مى دهند، گاه آه مى كشند، و گاه از معاصى و گناهان شكوه مى كنند، گاه ايستاده و گاه نشسته، و گاهى در حال ركوع، و گاه در سجده هستند، و آنچه را كه به خاطر من تحمل آن مى كنند، همه را مى بينم، و شكوه هائى كه از محبت من بر لب دارند مى شنوم.

اول چيزى كه به آنها عطا كنم سه چيز است يكى اينكه نور خودم را در دلهاى آنها بيفكنم در نتيجه همانگونه كه من از آنها آگاهم، آنها نيز از من با خبر خواهند بود، دوم اينكه اگر آسمانها و زمين ها و آنچه را كه در اين ميان هست در ميزان آنها ببينم باز آن را كم خواهم دانست سوم رو سوى آنها مى كنم، آيا اگر كسى من رو سوى او آورم، احدى مى تواند بداند كه چه به او عطا خواهم نمود. (49)

نداى حق هنگام سحر

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله: اذا كان آخر الليل يقول الله سبحانه : هل من داع فاجيبه؟ هل من سائل فاعطيه سؤ له؟ هل من مستغفر فاغفر له؟ من تائب فاتوب عليه (50)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هنگامى كه آخر شب فرا مى رسد خداوند منزه فرمايد: آيا دعا كننده اى هست تا اجابتش كنم؟ آيا درخواست كننده اى هست تا حاجاتش را عطا كنم؟ آيا استغفار كننده اى هست تا او را بيامرزم؟ آيا توبه كننده هست تا توبه اش را بپذيرم؟

26 خاصيت براى نماز شب

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: نماز شب موجب رضايت پروردگار و محبت ملائكه، و سنت انبياء و نور معرفت و اصل ايمان، و راحتى بدن، و كراهت و ناخشنودى شيطان، و سلاح عليه دشمنان، و باعث اجابت دعا، و قبولى اعمال، و بركت در زرق، و شفيع بين انسان و ملك الموت، و چراغ گور انسان، و فرش زير پهلوى انسان در قبر، و جواب منكر و نكير، و مونس ‍ و زائر انسان در قبر تا روز قيامت است، و چون روز قيامت شود، سايه اى بر بالاى سر او، و تاجى بر سر او، و لباسى بر بدن او، و نورى كه پيشاپيش او در حركت است، و پوششى بين او و آتش، و حجتى بين او و بين خداوند متعال، و مايه سنگينى ميزان او، و جواز و گذرنامه عبور از صراط، و كليد بهشت است. (51)

## فصل سوم : احكام و آداب نماز شب

1- نماز شب مجموعا يازده ركعت است كه ده ركعت آن هر دو ركعت به يك سلام خوانده مى شود و يك ركعت به يك سلام

2- هشت ركعت از يازده ركعت را بايد به نيت نماز شب خواند و دو ركعت آن را به نيت نماز شفع و يك ركعت آن را به نيت نماز وتر.

3- فضيلت نمازهاى شفع و وتر بيش از هشت ركعتى است كه به نيت نماز شب خوانده مى شود.

4- انسان مى تواند فقط به نماز شفع و وتر اكتفا كند و هشت ركعت را نخواند.

5- اگر وقت براى اداء نماز شب تنگ باشد مى تواند فقط به نماز وتر اكتفا كند.

6- وقت نماز شب از اول نيمه وقت شب است تا طلوع صبح صادق.

7- افضل آن است كه نماز شب به هنگام سحر خوانده شود و هنگام سحر عبارت است از يك سوم آخر شب، و هر قدر به صبح نزديكتر باشد افضل خواهد بود.

8- جايز است انسان نماز شب را نشسته بخواند حتى در حال اختيار ولى اگر مى خواهد نشسته بخواند بهتر آن است كه هر دو ركعت نشسته را يك ركعت ايستاده حساب كند.

9- شخص مسافر مى تواند نماز شب را پيش از نيمه شب بخواند.

10- جوانى كه مى ترسد خواب بماند و نماز شب از او فوت شود مى تواند نماز شب را پيش از نيمه شب بخواند.

11- همه كسانى كه براى خواندن نماز شب بعد از نيمه شب عذرى دارند مانند سالخوردگى يا كسى كه از سرد شدن هوا مى ترسد و يا از جنب شدن در خواب بيم دارد و مانند اينها، مى تواند نماز شب را قبل از نيمه شب بخواند.

12- خواندن سوره در ركعتهاى نماز شب لازم نيست و مى تواند فقط به خواندن سوره حمد اكتفا كند.

13- مستحب است كه نماز شب را بلند بخواند تا اگر از خانواده اش كسى مى خواهد به نماز شب برخيزد بيدار شود.

14- اگر نماز شب از كسى فوت شد مى تواند قضاى آن را در روز بجا آورد. (52)

يك تذكر مفيد:

قضاى نماز شب را، نيز فضيلت بسيار است، چنانكه از امام صادق عليه‌السلام روايت كرده است كه شخصى به آن حضرت عرض كرد: فدايت شوم چه بسا اتفاق مى افتد كه يك، دو، يا سه ماه نماز شب از من فوت مى شود و من آن را به روز قضا مى كنم. آيا اين كار جايز است؟

فرمودند به خداى قسم اين كار مايه روشنى و چشم تو است. و اين جمله را سه بار تكرار كرد.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: خداى تعالى به بنده اى كه قضاى نماز شب را بجاى مى آورد مباهات مى كند و مى فرمايد:

اى فرشتگان، اين بنده چيزى را كه به او واجب نكرده ام قضا مى كند. گواه باشيد كه من او را آمرزيدم.

### كيفيت خواندن نماز شب

نماز شب مجموعا يازده ركعت است :

1- هشت ركعت آن، كه دو ركعت، دو ركعت، مانند نماز صبح خوانده مى شود و به نيت نماز شب مى باشد.

2- دو ركعت نماز شفع : بهتر است در ركعت اول آن بعد از حمد، سوره (ناس) و در ركعت دوم بعد از حمد، سوره فلق خوانده شود.

3- يك ركعت نماز وتر: بعد از حمد سه بار سوره توحيد و يك بار سوره فلق و يك بار سوره ناس بخوانيم و مى توان يك سوره تنها خواند، سپس ‍ دست ها را به سوى آسمان بالا مى بريم و حاجات خود را از خدا مى خواهيم.

و براى چهل مومن دعا مى كنيم و طلب مغفرت مى كنيم.

و بعد هفتاد مرتبه مى گوييم : استغفرالله ربى و اتوب اليه

از پروردگار خوب طلب آمرزش و مغفرت مى كنم و به سوى او بازگشت مى نمايم.

آنگاه هفت مرتبه مى گوييم : هذا مقام العائذ بك من النار

اين است مقام كسى كه از آتش قيامت به تو پناه مى برد.

و بعد از آن سيصد مرتبه مى گوييم : «العفو» و سپس مى گوييم :

رب اغفرلى و ارحمنى و تب على، انك انت التواب الغفور الرحيم

### علت محروميت از شب زنده دارى

شايد كمتر مسلمانى را يافت كه ادعا كند: من آرزوى شب زنده دارى و مناجات با خدا را ندارم. اگر در طول عمرش، حتى يك شب هم، اين توفيق عظيم را نيافته، اما اين آرزو هرگز از دلش بيرون نرفته است.

آنهايى كه اهل مطالعه و يا شركت در جلسات مذهبى هستند، همواره خوانده و يا شنيده اند كه شب زنده دارى و راز و نياز با آفريدگار بى همتا، نشات و حلاوتى پايدار دارد. اما بسيارى از آنها نيز اين توفيق معنوى را نيافته و يا كمتر يافته اند. راستى علت اين محروميت بزرگ در چيست؟

معلم و مفسر انديشمند قرآن، آيت الله جوادى آملى در اين رابطه چنين مى گويند: «مردى از حضرت اميرالمومنين عليه‌السلام پرسيد:

من از نماز شب محروم شدم. حضرت فرمود:

انت رجل قد قيدتك ذنوبك (53) تو كسى هستى كه گناهان تو مقيدت نموده است.»

يعنى، تو آزاد نيستى و در قيد و بند گناهى.

توفيق شب زنده دارى و با شبروان هم سفر شدن، و با شب آفرين سخن گفتن، نصيب گنه كاران روز نخواهد بود.

كسى كه روز پايش در برابر گناه مى لرزد، شب طاقت ايستادن در برابر الله و شب زنده دارى كردن را ندارد.

كسى كه روز چشمانش به گناه آلوده است، شب سعادت اشك ريختن در كنار سجاده را ندارد.

كسى كه روز زبانش به تبهكارى باز شد، شب به ياد حق، و به زمزمه حق گويا نخواهد بود.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| گوهر پاك ببايد كه شود قابل فيض |  | ورنه هرسنگ وگلى لولو ومرجان نشود |

ممكن نيست كه سيه دل روز، شب زنده دار سحر باشد.

ممكن نيست كه تبهكار روز، پارساى شب باشد. (54)»

پس بياييد در همين لحظه، آرى همين لحظه، اين كتاب را به كنارى گذاشته، و دست دعا به سوى آسمان بلند نماييم : پروردگارا! اى غفار الذنوب و اى سريع الرضا!

ما بندگان غفلت زده و اسير هواهاى شيطانى، از نشات شب زنده دارى و حلاوت سحر انگيز تلاوت قرآن در نيمه هاى شب تنها نامى شنيده ايم و بس. ما در آغاز هيچ شبى، شايد در اين انديشه نبوده ايم كه مقدماتى را فراهم نماييم تا در نيمه هاى شب، از بستر خود جدا شده، و دست نيازى بسوى تو دراز كنيم. و به همين خاطر، هرگز آن حلاوت رويايى را نچشيده و آن نشات معنوى را درك نكرده ايم.

اى پروردگار مهربان ما آن حديث قدسى را شنيده ايم كه به موسى بن عمران، خطاب فرمودى كه : «اى پسر عمران دروغ مى گويد كسى كه مى پندارد مرا دوست دارد، و آنگاه كه تاريكى شب همه جا را فرا مى گيرد، مى خوابد و مرا از ياد مى برد. آيا هر دوست و دلداده اى در پى خلوت با محبوب خود نيست؟ (55)»

و حالا سر از خجلت و شرمسارى، به زير انداخته ايم.

اى غافر الخطايا

اى كه گفتى مرا بخوانيد تا شما را اجابت كنم آيا مى شود و امكان دارد كه به ما غفلت زدگان هم نظر عنايتى بنمايى، و ما هم روزى در زمره شب زنده داران، و قاريان شب زنده دار، در آييم؟

پس اى رافع الدرجات! بر ما كرم نما و خود وسيله و سبب آن را عطا فرما، و يك شب، آرى حتى يك شب، اين حلاوت سحرانگيز را در كام وجودمان بريز، و از آن پس، آن چنان كن كه عطش آن حلاوت، سراسر وجودمان را به آتش كشد، و خواب را از چشمانمان بربايد. آمين يا طبيب القلوب. (56)

توسل به اهل بيت عليهم‌السلام

براى اينكه سحرخيزان بتوانند از مبدا فيض بيشتر و بهتر بهره بگيرند به دستور حضرت حق بايد خاندان رسالت را واسطه قرار دهند كه فرموده است. و ابتغوا اليه الوسيلة (57)

و از طرفى عبادت عابدان مقبول حضرت بارى تعالى نمى گردد مگر با داشتن ولايت و محبت خاندان رسالت كه در زيارت «جامعه كبيره» مى خوانيم:

بموالاتكم تقبل الطاعة المفترضه

به سبب ولايت و دوستى شما اعمال واجب و مستحب مقبول درگاه احديت مى گردد.

در روايات زيادى كه علامه بزرگوار مجلسى رضوان الله در كتاب مستطاب بحارلانوار نقل فرموده وارد شده است كه انبياء و اوليا در طول تاريخ به بشريت از زمان حضرت آدم عليه‌السلام تا خاتم صلى‌الله‌عليه‌وآله همواره دست توسل به ذيل عنايت محمد و آل محمد عليهم‌السلام دراز مى كرده اند و آن بزرگوار را واسطه قرار مى داده اند.

قال الصادق عليه‌السلام: اذا اردت ان تقوم الى صلوة الليل فقل : اللهم انى اتوجه اليك بنبيك نبى الرحمة و اله واقدمهم بين يدى حوائجى، فاجعلنى بهم وجيها فى الدنيا والاخرة و من المقربين اللهم ارحمنى بهم ولا تعذبنى بهم واهدنى بهم و لا تضلنى بهم و ارزقنى بهم و لا تحرمنى بهم واقض لى حوائجى للدنيا والاخره انك على كل شى ء قدير و بكل شى ء عليم (58)

امام صادق عليه‌السلام فرمودند: هنگامى كه خواستى به نماز شب بايستى بگو:

بار خدايا من به وسيله پيامبرت كه نبى رحمت است و به وساطت خاندان پيامبر، رو به سوى تو مى آورم و آنان را پيشاپيش حوائجم مقدم مى دارم. خداوندا مرا به حرمت آن پاكان آبرومند دنيا و آخرت، از مقربين درگاهت قرار بده. بار پروردگارا، به عظمت آنان بر من ترحم فرما، و به احترام آنان عذابم مفرما و به سبب آنان هدايتم كن و گمراهم نفرما، و به بركت آنان رزقم داده و محرومم مگردان، و حوايج دنيا و آخرتم را برآور، چه آنكه تو بر هر چيز توانايى و به هر چيز دانا.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى به زهرا عليها‌السلام و باب گرامش |  | مسوزان به آتش دل داغدارم |
| به انجيل و تورات و قرآن احمد |  | گره باز كن امشب از كار و بارم |
| به ذات على عليه‌السلام قبله دين |  | مكن در بر دشمنان خوار و زارم |
| به حق حسين عليه‌السلام شافع روز محشر |  | ببخشا مرا تاب آتش ‍ ندارم |
| خدايا به حق شهيدان كويت |  | به نزد پيمبر مكن شرمسارم |
| الهى به لعل لب خشك اصغر |  | نظر بر مدار از دل بيقرارم (59) |

### نماز شب براى فرج امام زمان (عج)

شايسته است سحرخيزان و شب زنده داران، دعا براى فرج حضرت بقية الله الاعظم (عج) را فراموش نكنند كه آن بزرگوار فرمودند:

و اكثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم. (60)

براى تعجيل در امر ظهور و فرج ما بسيار دعا كنيد كه فرج شما در همين دعا كردن است.

مولاى مهربانى كه هميشه به ياد ماست ما نيز وظيفه داريم صاحبمان و جان جانانمان را از ياد نبريم.

امام زمان (عج) در پيامى به شيخ مفيد رضوان الله مى فرمايد:

انا غير مهملين لمراعاتكم و لا ناسين لذكركم و لولا ذلك لنزل بكم الداواء واصطلمكم الاعداء فاتقوا الله جل جلاله (61)

ما هرگز شما را رها نكرده ايم. و يادتان را از خاطر نبرده ايم و اگر عنايات و توجهات ما نبود، مصائب و حوادث زندگى، شما را در بر مى گرفت و دشمنان، شما را از بين مى بردند.

بپرهيزيد از آنچه كه خداوند ناراضى است و بشتابيد براى جلب رضايت او.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سحرى با دل سودا زده خلوت كردم |  | فارغ البال نشستم من و صحبت كردم |
| تا كه خاكستر دل را نبرد باد سحر |  | اشك را بهر دل سوخته دعوت كردم |
| سخن دل همه اين بود كه من خانه خويش |  | بهر ديدار رخ دوست مرمت كردم |
| نه بيامد، نه خبر داد، نه گفتا كه بيا |  | نه نگاهى زكرم هر چه كه همت كردم |
| تا كنم روزنه اى باز به سوى دل دوست |  | سالها خادمى اهل محبت كردم |
| هر درى را به اميد در او كوبيدم |  | چون نديدم رخ او خويش ملامت كردم |
| چكنم با كه بگويم غم جانسوزم را |  | خواستى فاش كنم راز، حكايت كردم |
| هاشمى گفت دلا مى رسد آن روز كه تو |  | نغمه سازى كه رخ دوست زيارت كردم (62) |

# بخش دوم

## فصل اول : چهل داستان در اهميت نماز شب

### 1- نماز و شكرگزارى پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله

عطاء بن رياح گويد: «روزى نزد عايشه رفتم پرسيدم : شگفت انگيزترين چيزى كه در عمرت از پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله ديدى چه بود؟ او گفت : «كارهاى پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله همه اش شگفت انگيز بود ولى از همه عجيب تر اينكه شبى از شبها كه پيامبر در خانه من بوده به استراحت مى پرداخت، هنوز آرام نگرفته بود كه از جا برخاست و لباس پوشيد و وضو گرفت و به نماز ايستاد و آنقدر در حال نماز و در جذبه خاص الهى اشك ريخت كه لباسش، از اشك چشمش، تر شد.

سپس سر به سجده نهاد و چندان گريست كه زمين از اشك چشمش، تر شد و همچنان تا طلوع منقلب و گريان بود.

هنگامى كه بلال او را به نماز خواند، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله را گريان ديد عرض كرد، چرا چنين گريانيد، شما كه مشمول لطف خدا هستيد.

فرمود: «افلا اكون عبدا شكورا» آيا نبايد بنده شكرگزار خدا باشم.

چرا نگريم خداوند در شبى كه گذشت، آيات تكان دهنده اى بر من نازل كرده است و سپس شروع به خواندن آيات كرد (63) و در پايان فرمود:

ويل لمن قرئها و لم يتفكر فيها واى به حال كسى كه آنها را بخواند و در آنها نيانديشد.

در روايتى از حضرت على عليه‌السلام نقل شده كه پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هر گاه براى نماز شب بر مى خواست، نخست مسواك مى كرد و سپس نظرى به آسمان مى افكند و اين آيات را زمزمه مى نمود. در روايات اهل بيت عليه‌السلام نيز دستور داده شده، كه هر كس براى نماز شب، برمى خيزد، اين آيات را تلاوت كند: ان فى خلق السموات و الارض و اختلاف الليل والنهار لايات لاولى الالباب... (64)

### 2- على عليه‌السلام و عبادت هاى نيمه شب

از «حبه عرنى» نقل شده است كه «شبى با «نوف بكالى» (كه هر دو از اصحاب اميرالمومنين على عليه‌السلام بودند) در خواب بوديم ؛ ساعات آخر شب بود كه از خواب پريدم و چشمم به امام اميرالمومنين عليه‌السلام افتاد؛ ديدم مانند اشخاص واله و حيران، دست بر ديوار و سر به آسمان، به تلاوت قرآن مشغول است و اين آيات را مى خواند و تكرار مى كند:

ان فى خلق السموات و الارض و اختلاف الليل والنهار لايات لاولى الالباب الذين يذكرون الله قياما و قعودا و على جنوبهم و يتفكرون فى خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب النار (65)

پس از مدتى متوجه من شد و فرمود: اراقد انت يا حبه ام رامق : «اى حبه تو خوابى يا بيدار» گفتم : «بيدارم مولاى من ؛ اما از كار شما سخت متحير و سرگردانم ؛ مى بينم كه شما اين چنين بى قرار هستى و ناآرام، پس حال ما (گنهكاران) چگونه خواهد بود؟»

اين سخن را كه امام از من شنيد، ديدم پلكهاى چشم مباركش روى هم افتاد و قطرات اشك از ديدگان شريفش به صورتش جارى شد و فرمود:

يا حبة ان لله موقفا و لنا بين يديه موقفا لا يخفى عليه شيى من اعمالنا يا حبة ان الله اقرب الى و اليك من حبل الوريد. يا حبة انه لا يحجبنى و لا اياك عن الله شيى

«اى حبه! مسلم بدان كه خدا را موافقى است براى رسيدگى به حساب اعمال بندگان ؛ در آن موقف به تمام اعمال ما كه چيزى از آن بر خدا مخفى نيست، رسيدگى خواهد شد. اى حبه، خدا از رگ گردن به من و تو نزديكتر است و چيزى بين ما و خدا حاجب و پوشش نمى باشد».

يعنى اى حبه، على عليه‌السلام چگونه آسوده و آرام بخواهد در حالى كه مى داند چشم بيدار خدا شاهد اعمال ريز و درشت او مى باشد؟

حبه مى گويد: در اين موقع امام عليه‌السلام متوجه «نوف» شد و فرمود:

اراقد انت يا نوف؟:

«اى نوف، آيا تو در خوابى؟»

عرضه داشت :

لا يا اميرالمومنين ما انا براقد و قد اطلت بكائى فى هذه الليلة «نه يا اميرالمومنين بيدارم و بر حال خود گريانم ؛ مرا امشب به گريه بسيار واداشتى».

فرمود:

يا نوف! ان طال بكائك فى هذه الليلة مخافة من الله تعالى قرت عيناك غدابين يدى الله عزوجل.

يا نوف! انه ليس من قطره قطرت من عين رجل من خشية الله الا اطفاءت بحارا من النيران... :

«اى نوف، اگر از ترس خدا امشب گريه كنى فردا در پيشگاه او شاد و خرم خواهى بود!

اى نوف، هيچ قطره اشكى از چشم كسى از خوف خدا نمى ريزد مگر اينكه درياهايى از آتش (قهر خدا) را خاموش مى سازد!»

آنگاه امام عليه‌السلام مقدارى آنان را موعظه كرد و پند و اندرزشان داد و در پايان سخنان خود فرمود:

فكونو من الله على حذر فقد انذرتكما

«حال، از خدا بترسيد و از عذاب بر حذر باشيد كه من انذارتان كردم (و از عقبات سنگين پس از مرگ آگاهتان ساختم»)

سپس امام عليه‌السلام به راه افتاد و هم چنان مى رفت و مى گفت :

ليت شعرى فى غفلاتى امعرض انت عنى ام ناظر الى؟ وليت شعرى فى طول منامى وقلة شكرى فى نعمك على ما حالى

«كاش، مى دانستم (اى پروردگار من) كه عنايت در اوقات غفلتم آيا تو از من روگردانى يا نظر لطف و عنايت درباره ام دارى؟

و كاش، مى دانستم در آن ساعات (شب) كه به خواب گران فرو رفته ام و موقعى كه در برابر نعمتهاى تو به شكر و سپاس اندك اكتفا نموده ام چه حالى (و چه موقعيتى در پيشگاه تو) دارم؟!»

حبه گويد: «به خدا قسم، حال على عليه‌السلام به همين منوال بود تا سپيده صبح دميد. (66)»

### 3- علت گريه حضرت على عليه‌السلام

ابودردا روايت كرده كه شبى امير المومنين عليه‌السلام را ديدم كه از مردم كناره گرفته و در مكان خلوتى مشغول مناجات با پروردگار است در حالى كه او در محراب عبادت ايستاده بود اشكهايش بر روى صورتش مى غلطيد مانند مار گزيده به خود مى پيچيد و مانند مصيبت ديده ها گريه مى كرد و مى گفت : «آه آه از توشه اندك و سفر طولانى و انيس و همنشين كم آه از آتشى كه جگرها را بريان كند و پوست بدن را بركند، آه از آتشى كه خرمن گستراند. » ناگاه ديدم صدا خاموش شد و گفتم حتما حضرت را خواب ديدم برده است رفتم تا آن حضرت را بيدار كنم چون ايشان را حركت دادم ديدم همچون چوب خشك شده است، گفتم بلكه امام از دنيا رفته است و به خانه آن حضرت رفتم و فاطمه عليه‌السلام را از اين امر آگاه ساختم، ايشان فرمودند: اين حالتى است كه از ترس خدا هر شب بر او عارض ‍ مى شود (67)»

پس واى بر حال ما كه اينگونه به نمازهاى واجبمان كم توجهى كمى مى كنيم چه رسد به ساير عبادات. واى به حال ما كه هنوز باور نكرده ايم بايد توشه فراوانى براى راه طولانى برداريم.

### 4- نماز شب حضرت زهرا ( عليها‌السلام)

امام حسن مجتبى عليه‌السلام مى فرمايد: در دوران كودكى شبى بيدار ماندم و به نظاره مادرم زهرا ( عليها‌السلام) در حالى كه مشغول نماز شب بود گذراندم.

پس از اينكه نمازش به پايان رسيد متوجه شدم كه در دعاهايش يك يك مسلمين را نام مى برد و آنها را دعا مى كند، خواستم بدانم كه درباره خودش ‍ چگونه دعا مى كند اما با كمال تعجب ديدم كه براى خود دعا نكرد.

فردا از او سوال كردم : چرا براى همه دعا كردى، اما براى خودت دعا نكردى؟» فرمود: «يا بنى الجار ثم الدار» پسرم، اول همسايه بعد خودت.

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: «اما دخترم فاطمه عليها‌السلام پس به راستى كه او سيده زنان عالميان از اولين و آخرينشان مى باشد. »

تا آنجا كه فرمود: زمانى كه در محرابش در مقابل پروردگار - جل جلاله - مى ايستد، نورش براى ملائكه ها پرتو افكنى مى كند، آن چنان كه ستارگان آسمان براى اهل زمين نور افكنى مى نمايند و خداوند متعال به ملائكه هايش مى فرمايد: «اى ملائكه من بنگريد به امه و كنيز من فاطمه سيده كنيزانم، كه در مقابل من به عبادت ايستاده، به طورى كه بدنش از ترس مقام من مى لرزد. و با تمام وجود و قلبش بر عبادت و اطاعتم روى آورده، شما فرشتگانم را شاهد مى گيريم كه شيعيان فاطمه ( عليها‌السلام) را از آتش جهنم ايمن گردانيدم. (68)»

البته به شرطى كه ما از پيروان راستين آن بانوى بزرگ اسلام باشيم.

### 5- نماز شب حضرت زينب ( عليها‌السلام)

امام زين العابدين عليه‌السلام فرمود «هرگز نديدم كه نماز شب و تهجد عمه ام زينب ( عليها‌السلام) ترك شود، حتى شب يازدهم محرم (و بعد از آن همه خستگى ها و داغ ها و رنج ها) و شب هاى بعد در طول اسارت از كربلا تا كوفه و شام فقط يك شب ديدم عمه ام در حالت خسته نشسته به نماز شب مشغول است. گفتم : «عمه جان! نماز شب در حالت ايستاده دارى فضيلت بيشترى است در پاسخ فرمود: مى دانم، اما سه روز است كه چون سهم آذوقه و غذا و آبى كه به داده اند براى بچه ها كم بود، من سهم خود را نيز بين بچه ها تقسيم كرده ام، و اينك ديگر قوت و رمقى برايم نمانده تا نماز شب را ايستاده به جاى آورم. » (69)

### 6-امام سجاد عليه‌السلام و عبادت على عليه‌السلام

امام باقر عليه‌السلام فرمود: «خدمت پدرم رسيدم مشاهده كردم بجايى از عبادت رسيده كه هيچ كس نخواهد رسيد، صورتش از شب زنده دارى زرد و چشم ها از شدت گريه مانند آتش سرخ گرديده، پيشانى از كثرت سجده پينه بسته، قدم ها و ساق پاى مباركش به واسطه طول قيام در نماز ورم كرده بود؛ فرمود: «من از ديدن آن حال نتوانستم خوددارى كنم، دلم سوخت و شروع به گريه نمودم. در آن موقع پدرم به فكر فرو رفته بود پس از مختصر زمانى متوجه من شد فرمود: «پسر جان يكى از جزوه هاى عبادت على بن ابى طالب عليه‌السلام را بياور!

جزوه اى را تقديم كردم. اندكى از آن را خواند. با خاطرى افسرده جزوه را به زمين گذاشت و فرمود: «چه كسى قدرت دارد مانند على عليه‌السلام عبادت نمايد. (70)»

### 7- مناجات هاى امام صادق عليه‌السلام

امام صادق عليه‌السلام چنين بود كه گاهى شبانه به قبرستان مى رفت و مى فرمود: «اى اهل قبور! چه شده است كه هر چه شما را صدا مى زنم، جواب نمى دهيد؟»

آنگاه مى فرمود: «به خدا سوگند ميان آنان و پاسخ گفتن فاصله افتاده و ديگر قادر بر جواب دادن نمى باشند و گويا ما هم نظير ايشان خواهيم شد (71)»

سپس رو به قبله مى ايستاد و تا طلوع آفتاب به راز و نياز و مناجات با خداوند مى پرداخت.

### 8- امام هادى عليه‌السلام و نماز شب

قطب راوندى گفته در اخلاق و حالات حضرت امام هادى عليه‌السلام كه وقتى شب فرا مى رسيد رو مى كرد به قبله و مشغول عبادت مى گشت و ساعتى از عبادت باز نمى ايستاد. بر تن شريفش جبه ايى بود از پشم و سجاده اش بر حصيرى بود و پيوسته لب مباركش در تسبيح و ذكر خدا بود. (72)

و همچنين آمده است كه چندين نوبت كه متوكل ملعون افرادى را براى تفتيش و بازرسى به منزل آن حضرت فرستاده بود، ماموران متوكل در هر دفعه كه وارد خانه مى شدند و مى ديدند كه امام بر روى سجاده حصيرى اش ‍ مشغول عبادت و نماز خواندن بود و يا قرآن تلاوت مى كرد. (73)

### 9- جوانى كه با نماز قلبش منور بود

از حضرت امام صادق عليه‌السلام روايت شده كه روزى حضرت رسول اكرم به عنوان نماز صبح به مسجد تشريف بردند، بعد از نماز جوانى را ديدند به نام (حارثة بن مالك) كه رنگى زرد و بدنى ضعيف داشت، آنقدر بى خوابى كشيده و گريه كرده بود كه چشمهايش در حدقه فرو رفته بود.

حضرت به او نزديك شد و فرمود: «چگونه صبح كرده اى و حالت چگونه است؟

عرض كرد: يا رسول الله صبح كردم در حالتى كه يقين دارم» حضرت با تعجب فرمود: «هر چيزى علامتى دارد، علامت يقين شما چيست؟

عرض كرد: «نشانه يقين من بى خوابى شب هاى من است كه بيدار مى مانم براى نماز و عبادت (همه شب را نماز بر پا مى دارم) و روزهاى گرم روزه مى گيرم و دلم از دنيا روى گردانيده و به متاع دنيا كراهت مى بينم عرش ‍ خداوند را كه براى حساب در محشر نصب كرده اند و مردم محشور شده من نيز در ميان ايشان هستم و مى بينم اهل بهشت را كه متنعم به انواع نعمت ها هستند و بر كرسى ها نشسته و با هم تعارف مى كنند و همچنين مى بينم اهل جهنم را كه در ميان جهنم معذبند و گويا در گوشم زفير آتش است.

حضرت به اصحاب فرمود: «اين بنده اى است كه خداوند دل او را به نور آسمان منور گردانيده است» بعد فرمود «اى جوان به همين حال باش. » عرض كرد: يا رسول الله دعا كن كه خداوند متعال شهادت را نصيب من گرداند. » حضرت دعا كرد و پس از چند روزى با جناب جعفر به جهاد رفت و بعد از نه نفر شهيد شد. (74)

### 10- در حالات علامه بحرالعلوم رحمة الله

مرحوم ملازين العابدين سلماسى كه از ملازمين و خواص علامه بحرالعلوم است، اظهار مى دارد كه :» علامه بحر العلوم هر شب در كوچه هاى نجف، گردش مى كرد و براى بينوايان غذا مى برد.

اتفاقا چند روزى درس را تعطيل كرد، طلاب مرا شفيع كردند كه علت اين امر را سوال كنم، وقتى از ايشان خواستم درس را شروع بفرمايند و درباره سبب ترك تدريس از ايشان سوال كردم، پاسخ دادند: «درس ‍ نمى گويم»

پس از چند روز دوباره ماجرا تكرار شد و من انگيزه ترك تدريس را سؤ ال كردم. علامه فرمودند: «نيمه هاى شب هرگز نشنيدم كه اين طلاب با خداوند متعال مناجات كنند و به تضرع و زارى مشغول باشند، با اينكه من شب ها در كوچه هاى نجف گردش مى كنم. اين گونه طلبه ها سزاوار نيستند كه آنان را درس دهم!»

وقتى طلاب از گفته علامه آگاه شدند، همه مشغول تضرع و زارى گشتند و شبها صداى گريه و مناجات آنان، از هر سو بلند شد و ايشان مجددا، تدريس را آغاز كردند. (75)

### 11- شيخ جعفر كاشف الغطاء مرد دعا و نيايش

شهيد بزرگوار، ملا محمد تقى برغانى قزوينى مى گويد: «هنگامى كه مرحوم شيخ جعفر كاشف الغطاء وارد قزوين شد در منزل يكى از بزرگان ساكن گرديد، در آن منزل، باغى وجود داشت، هنگام خواب فرا رسيد و همه خوابيدند و من هم در گوشه آن باغ خوابيدم، چون پاسى از شب گذشت، شنيدم شيخ مرا صدا مى زد و مى فرمايد:

«برخيز و نماز شب بخوان» عرض كردم : «بلى برمى خيزم» شيخ عبور كرد و من دوباره خوابيدم ناگهان صدايى شنيدم و به دنبال صدا روانه شدم وقتى جلو رفتم ديدم جناب شيخ به تضرع و مناجات مشغول است و صداى چنان در من اثر گذاشت كه از آن شب تاكنون كه 25 سال مى گذرد هر شب برمى خيزم و به مناجات مشغول مى شوم. (76)»

### 12- نماز شب در همه جا و همه وقت

شيخ جعفر كاشف الغطاء اين عالم جليل القدر روزى پس از تدريس ‍ فرمودند: «من يك دختر دارم كه موقع ازدواج اوست، اگر يك آقاى متدين با اخلاقى باشد دخترم را به او مى دهم»، يكى از فضلاى جلسه بلند شد و نشست، همين برخاستن يعنى خواستگارى ؛ شيخ فرمود «به منزل ما بيا» و خود نيز به خانه رفت، اين طلبه هم آمد، مرحوم شيخ او را مى شناختند كه طلبه فاضل و متدين است ولى از نظر مالى هيچ مكنتى ندارد. مرحوم شيخ به دخترش فرمود: دخترم شوهرى برايت پيدا كردم، چيزى ندارد اما علم دارد، اخلاق دارد، تقوى و ورع دارد حاضرى با او ازدواج كنى؟»

دختر در جواب گفت : اختيار من در دست شماست»، همان وقت خطبه عقد را خواندند، يكى از اطاق هاى منزل خودشان را حجله كردند و دختر را همان شب براى شوهردارى مهيا كردند و دختر و پسر به اتاق زفاف رفتند. قبل از اذان صبح كه مرحوم كاشف الغطاء براى نافله برخواست، آمد در اطاق عروس و داماد را زد و فرمود: «آب را گرم كرده ام (آن موقع حمام داخل خانه ها نبود) در فلان اتاق است برويد و براى نماز شب غسل كنيد»، آن دو برخاستند و غسل كردند و نماز شب را با هم خواندند. (77)

### 13- در حالات مرحوم كاشف الغطاء

در حالات مرحوم شيخ جعفر كبير كاشف الغطا كه از بزرگان علما آمده در قرن سيزدهم و ساكن نجف اشرف بوده است : در يكى از شبها كه براى «تهجد» برخاست، فرزند جوانش را از خواب بيدار كرد و فرمود: «برخيز به حرم مطهر مشرف شده در آنجا نماز بخوانيم فرزند جوان كه برخاستن از خواب در آن ساعت شب برايش دشوار بود، در مقام اعتذار بر آمد و گفت من فعلا مهيا نيستم شما منتظر من نشويد، بعد، مشرف مى شوم. »

فرمود «نه، من اينجا ايستاده ام ؛ برخيز، مهيا شو كه با هم برويم. » آقازاده، به ناچار از جا برخاست وضو ساخت و با هم به راه افتادند. كنار درب صحن مطهر كه رسيدند، آنجا مرد فقيرى را ديدند نشسته و دست سوال از براى گرفتن پول از مردم باز كرده است.

آن عالم بزرگوار ايستاد و رو به فرزندش فرمود: «اين شخص در اين وقت شب براى چه اينجا نشسته است؟» گفت : «براى تكدى از مردم. فرمود: آيا چه مقدار ممكن است از رهگذران، عايد او گردد؟» گفت : احتمالا مقدارى ناچيز»

فرمود: درست فكر كن ببين، اين آدم براى يك مبلغ بسيار اندك كم ارزش ‍ دنيا آن هم محتمل، در اين وقت شب از خواب و آسايش خود دست برداشته و آمده در اين گوشه نشسته و دست تذلل به سوى مردم باز كرده است!

آيا تو، به اندازه اين شخص، اعتماد به وعده هاى خدا درباره شب خيزان. متهجدان ندارى كه فرموده است :

فلا تعلم نفس ما اخفى لهم من قرة اعين؟!! (78)

گفته اند آن فرزند جوان از شنيدن اين گفتار از آن دل زنده و بيدار، آن چنان تكان خورد و تنبه يافت كه تا آخر عمر از شرف و سعادت بيدارى آخر شب برخوردار بود و نماز شبش ترك نشد»

آرى، ان هو الا ذكر و قرآن مبين لينذر من كان حيا (79)

و گرنه، ما انت بمسمع من فى القبور (80)

از مردگان در دل خاك خفته، چه انتظارى مى توان داشت (81)

### 14- در حالات عالم بزرگوار حجة الاسلام شفتى

اين عالم بزرگوار و شخصيت ربانى پيوسته خود را در محضر بارى تعالى مى ديد و چيزى او را از حضور و مراقبت، باز نمى داشت!

گوشه هاى چشم او از كثرت گريستن در مقام تهجد مجروح شده بود!

يكى از نزديكان اين بزرگوار گفته است، با آن مرحوم به يكى از روستاها رفتيم، شب را در راه گذرانديم، سيد به من فرمود: «نمى خوابى، من رفتم كه بخوابم، چون سيد گمان كرد كه من خوابيدم، برخاست و مشغول نماز شد، به خدا سوگند ديدم بندهاى دوش و اعضايش مى لرزيد، به طورى كه كلمات نماز را از شدت حركت فكين و اعضا، مكرر مى نمود تا آن را صحيح ادا كند»

گويند از شدت حضور قلبى كه در پيشگاه خداوند داشت بندهاى دوشش ‍ مى لرزيد و به محض اينكه مجلس از مردم خالى مى شد، اشكش جارى مى گشت!

محدث قمى مى نويسد: «در عبادت و دعا و مناجات با قاضى الحاجات و نوافل، حكايات بسيارى از آن جناب نقل شده است. (82)

### 15- شب هاى پرشور حجة الاسلام شفتى

اين بزرگوار نيمه شب تا صبح به گريه و زارى و تضرع، اشتغال داشت و در صحن كتابخانه اش مانند افراد مجنون، حركت مى كرد و دعا و مناجات مى خواند و تا صبح بر سر و سينه مى زد!

چنان صداى گريه او بلند بود كه اگر همسايگان بيدار مى شدند، مى شنيدند.

بالاخره از كثرت گريه و زارى در اواخر عمر بيمار شده و پزشكان او را از گريه منع كردند و گفتند و گريستن بر شما حرام است زيرا موجب افزايش ‍ بيمارى خواهد شد.

هنگامى كه سيد به مسجد مى رفت تا وقتى كه در مجلس حضور داشت ذاكرين منبر نمى رفتند و اگر اتفاقا در حضور او ذاكرى بالاى منبر مى رفت او برنمى خاست و باز گريه نمى كرد. (83)

### 16- دعاى پدرى بزرگ در حق پسر به هنگام سحر

صاحب (مرات الاحوال) مى نويسد:

«از بعضى ثقات شنيدم كه آخوند ملا محمد تقى مجلسى نقل كرده كه :

در شبى از شبها بعد از نماز و تهجد و گريه و زارى به درگاه قادر متعال، خود را به حالتى ديدم كه دانستم هر چه بخواهم عنايت مى فرمايد و در انديشه بودم كه چه بخواهم؟ دنيوى يا اخروى؟ كه ناگاه صداى گريه محمد باقر (84) از گهواره بلند شد، من گفتم : الهى به حق محمد و آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله اين طفل را مروج دين و ناشر احكام سيدالمرسلين گردان و موفق كن او را به توفيقات بى نهايت خود. (85)

### 17- قافله سحرخيزان

چند نفر از علماء نزد استادى رفتند تا از مقام علمى او استفاده كنند، ولى ديدند استاد مانند مصيبت زده ها نشسته و حال پريشانى دارد از او پرسيدند چه شده؟ مگر كسى از شما مرده است؟ استاد گفت :

ديشب آن چنان خوابيدم كه نماز نافله شب از من فوت شد، ديشب سحرخيزان، نماز شب گزاران و استغفاركنندگان رفتند ولى من بدبخت امروز قضاى آنرا خواندم، آيا مصيبتى از اين بالاتر مى شود. (86)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى رانده ز درگاه الهى برخيز |  | محروم زفيض صبحگاهى برخيز |
| روزت گذرد به معصيت، شب غفلت |  | بارى، سحرى به عذرخواهى برخيز |
| برخيز سحر ناله و آهى مى كن |  | استغفرالله ز هر گناهى مى كن |

### 18- تسبيح در و ديوار همراه با عارف وارسته ملا محمد كاشى

در شرح حال آخوند ملا محمد كاشى، (استاد آقا نجفى قوچانى و حاج رحيم ارباب اصفهانى و بسيارى ديگر از اعاظم) آورده اند: «هر نيم شب، نمازى چنان به سوز و گذاز مى خواند و بدنش به لرزه مى افتاد كه از بيرون حجره، صداى حركت استخوان هايش احساس مى شد!!

روزى پس از ختم درس، يكى از طلاب به درس آن بزرگوار آمد و گفت : آقا اين شيخ مى گويد كه ديشب به وقت سحر ديدم كه از در و ديوار مدرسه صداى سبوح قدوس ربنا و رب الملائكة و الروح برمى آيد» آخوند فرمود:

«اينكه در و ديوار به ذكر من متذكر مى باشند، امرى نيست، مهم آنست كه او از كجا محرم راز گشته است. (87)

### 19- ميرزا سليمان تنكابنى

صاحب كتاب قصص العلماء، درباره پدرش مرحوم ميرزا سليمان تنكابنى كه از شاگردان حكيم بزرگ، آخوند ملا على نورى رحمة الله است مى نويسد:

«پدرم، مواظب نماز اول وقت و نوافل وارده بود و هر روز يك جزء از قرآن را تلاوت مى كرد و هر روز صبح سوره يس و صد مرتبه ذكر لا اله الا الله الملك الحق المبين و برخى اوراد و اذكار ديگر را قرائت مى كرد و سوره واقعه را در قنوت نماز (نافله عشاء) مى خواند و نماز شبش هيچ وقت ترك نشد.

شبى، هنگام سحر از خواب بيدار شدم، ديدم پدرم نشسته است و به شدت گريه مى كند. بعد از پايان گريه اش، سئوال كردم علت گريه چيست؟

فرمود: «در قنوت نماز وتر، مناجات (خمس عشره) را مى خواندم و مى گريستم، ناگاه شنيدم كه از سقف اتاق، آوازى برآمد كه : ايها العالم العامل...

مرحوم والد، بيش از اين سخنى نفرمود و دنباله صدايى را كه شنيده بود اظهار نكرد، سپس فرمود: «وقتى آن آواز را شنيدم، چنان گريه بر من غالب شد كه نتوانستم نماز را تمام كنم، بى اختيار نشستم و گريستم. و تا من زنده هستم، راضى نيستم اين راز را كه به كسى بگوييد. (88)»

### 20- عبادت تا به چه حد مى رسد

در حالات شهيد محراب مرحوم ملا محمد تقى برغانى آمده است :

«عبادت آن جناب قدس السره چنان بود كه هميشه از نصف شب تا طلوع صبح صادق به مسجد خود مى رفت و به مناجات و ادعيه و تضرع و زارى و تهجد اشتغال داشت و مناجات «خمس عشرة» را از حفظ مى خواند و بر اين روش و شيوه پسنديده استمرار داشت تا همان شب كه شربت شهادت نوشيد. »

مكرر در فصل زمستان ديده مى شد كه در پشت بام مسجد خود، در حالى كه برف به شدت مى باريد، در نيمه شب پوستينى بر دوش و عمامه بر سر داشت و مشغول تضرع و مناجات بود و با حالت ايستاده، دست ها را به سوى آسمان بلند كرده، تا اين كه برف، سراسر قامت مباركش را از سر تا پا سفيد پوش مى كرد.

جالب توجه است كه اين بزرگوار در حال سجده كه مناجات خمس عشرة را مى خواند به دست فرقه بابيه به شهادت رسيد. (89)

### 21- نمازهاى ملا هادى سبزوارى

حاج ملاهادى سبزوارى در تمام عمر، يك سوم آخر شب را بيدار و به راز و نياز و خواندن دعاى جوشن كبير و نماز شب سرگرم بود و با ناله و گريه و مناجات هاى نيمه شب خانواده وى كه در حجره هاى بالاخانه در خواب بودند از خواب بيدار مى گشتند و صداى حكيم را مى شنيدند و در تمام مدت تدريس ممكن نشد كه بانگ موذن بلند شود و ايشان درسى را قطع ننموده و به بيانات خود پايان ندهند. و صدايشان به اذان بلند نشود. (90)

### 22- مقامات مقدس اردبيلى از بركت نماز شب

مقدس اردبيلى (اعلى الله مقامه) كه مكرر خدمت حضرت حجة عليه‌السلام مشرف شد، كارش به جايى رسيده بود كه بر سر قبر حضرت اميرالمومنين با آقا حرف مى زده است از خودش نقل شده كه سبب رسيدن من به اين درجات آن بود كه در ابتداى تحصيل با طلبه اى هم حجره بودم و با او عهد بستم كه هر چه براى ما پيش آيد به كسى نگويد. بلاخره وقتى پيش آمد كه هيچ نداشتيم، رفيقم در اثر فقر گرسنگى خيلى ضعيف شده بود و به واسطه عهدى كه كرده بودم با كسى صحبت نمى كرد.

روزى يك نفر به مدرسه آمد و در غياب من علت ضعف را از رفيقم پرسيده بود، او نخست نگفته بود بعد كه او را قسم مى دهد حقيقتش را مى گويد كه از فرط فقر و گرسنگى من و رفيقم اين طور ضعيف گرديده ايم. آن شخص ‍ فورا مى رود طعام مى آورد و كيسه پولى هم براى هر دو نفر مى آورد. وقتى كه ملا احمد (مقدس اردبيلى) مى آيد به رفيقش اعتراض مى كند كه چرا گفتى مگر نه ما عهد كرده بوديم. خلاصه غذا را با هم مى خورند و پول را هم نصف مى نمايند و مقدس اردبيلى شب مى خوابد نيمه هاى شب بيدار مى شود مى بيند محتلم گرديده به سوى حمام مى آيد تا غسل نمايد حمامى در را از داخل بسته بود. مقدس اردبيلى اصرار كرد حمامى در را باز نكرد گفت دو برابر پول، گفت باز نمى كنم، گفت سه برابر... خلاصه حاضر شد تمام پول هايى كه روز گذشته به دستش آمده بود بدهد تا حمامى در را باز كند و مقدس اردبيلى غسل بكند تا نماز شبش از او فوت نگردد.

از همان شب خداوند الطاف خاصى به او فرمود كه نتيجه اش همين بروز كرامات از اوست. (91)

### 23- در حالات حاج شيخ حسنعلى اصفهانى رحمة الله (معروف به نخودكى)

آقاى نظام التوليه سركشيك آستان قدس رضوى نقل كرد كه :

«شبى از شبهاى زمستان كه هوا خيلى سرد بود و برف مى باريد، نوبت كشيك من بود. اول شب خدام آستان مباركه (حضرت رضا عليه السلام) به من مراجعه كردند و گفتند به علت سردى هوا و بارش برف زائرى در حرم نيست، اجازه دهيد حرم را ببنديم، من نيز به آنان اجازه دادم. مسئولين درها را بستند و كليدها را آوردند و مسئول بام حرم مطهر آمد و گفت : «حاج شيخ حسنعلى اصفهانى از اول شب تاكنون بالاى بام و در پاى گنبد مشغول نماز مى باشند و مدتى است كه در حال ركوع هستند و چند بار كه مراجعه كرديم ايشان را به همان حال ركوع ديديم، اگر اجازه دهيد به ايشان عرض ‍ كنيم كه مى خواهيم درها را ببنديم ».

گفتم : «خير، ايشان را به حال خود بگذاريد، و مقدارى هيزم در اطاق پشت بام كه مخصوص مستخدمين است بگذاريد كه هرگاه از نماز فارغ شدند استفاده كنند و در بام را نيز ببنديد. »

مسئول مربوطه مطابق دستور عمل كرد و همه به منزل رفتيم. آن شب برف بسيارى باريد. هنگام سحر كه براى باز كردن درهاى حرم مطهر آمديم، به خادم بام گفتم برو ببين حاج شيخ در چه حالند. پس از چند دقيقه خادم مزبور بازگشت و گفت : «ايشان همان طور در حال ركوع هستند و پشت ايشان با سطح برف مساوى شده است» معلوم شد كه ايشان از اول شب تا سحر در حال ركوع بوده اند، نماز ايشان هنگام نماز اذان صبح به پايان رسيد. (92)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خوشا آنان كه الله يارشان بى |  | كه حمد و قل هو الله كارشان بى |
| خوشا آنان كه دائم در نمازند |  | بهشت جاودان بازارشان بى |

### 24- مادر آيت الله ميرزا مهدى شيرازى رحمة الله

مرحوم ميرزا مهدى شيرازى رحمة الله فرمودند: «موقعى كه والده ما براى نماز شب برمى خواست مرا هم كه هنوز كودك خردسالى بودم از خواب بيدار مى نمود و از پشت بام پايين آورده نزد خود مى نشانيد و مشغول نماز شب مى شد و به من مى گفت : «مهدى بيدار بمان. »

پدرم فرمود: «در آن موقع از شب چشمان مرا خواب گرفته بود به طورى كه مى خواستم از پله ها به طرف زمين پرتاب شوم. » (93)

### 25- نماز شب و نورافشانى خانه ها

از استاد الهى و عارف ربانى مرحوم حاج شيخ جواد انصارى همدانى نقل شده كه مى فرمود:

«فلانى با اينكه شخص عوامى است شبى كه براى نماز شب به پا خاسته، مشاهده نموده كه در حدود 500 خانه از خانه هاى همدان نورافشانى ميكند و به الهام شده كه در اين خانه ها نماز شب خوانده مى شود كه تا آسمان كشيده شده است و الهام شده است كه وجود مقدس ‍ حضرت بقية الله است كه به نماز شب ايستاده است. » (94)

### 26- در حالات ملا محمد اشرفى

در حالات مرحوم ملا محمد اشرافى كه از شاگردان سيدالعلماست آورده اند:

«از نيمه شب تا صبح مشغول تضرع و زارى و مناجات بود، آنقدر بر سر و سينه مى زد كه هنگامى كه صبح مى شد در نهايت ضعف و نقاهت بود كه هر كه او را مى ديد گمان مى برد تازه از بستر بيمارى، برخاسته است. » (95)

### 27- مرحوم ملكى تبريزى و نماز شب

يك از دوستان و نزديكان مرحوم حاج ميرزا جواد آقا ملكى تبريزى، مى گويد: «مرحوم ملكى تبريزى شب ها كه براى تهجد و نماز شب، به پا مى خواست، ابتدا در بستر مدتى، صدا به گريه بلند مى كرد!

سپس بيرون مى آمد و نگاه به آسمان مى كرد و آيات ان فى خلق السموات والارض... را مى خواند و سر به ديوار مى گذاشت و مدتى گريه مى كرد و پس از تطهير نيز كنار حوض مدتى پيش از وضو، مى نشست و مى گريست.

خلاصه از هنگام بيدار شدن تا آمدن به محل نماز و خواندن نماز شب چند جا مى نشست و برمى خواست و گريه سر مى داد، و تا به مصلايش ‍ مى رسيد، ديگر حالش قابل وصف نبود» (96)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| آه از آن نرگس جادو كه چه بازى انگيخت |  | واى از آن مست كه با مردم هشيار چه كرد؟ |
| برقى از منزل ليلى بدرخشيد سحر |  | وه كه با خرمن مجنون دل افكار چه كرد؟ |
| برق عشق آتش غم دردل حافظ زد و سوخت |  | يار ديرينه ببينيد كه با يار چه كرد؟ |

### 28- در نماز شب مومنين را دعا كنيد

حاج ميرزا جواد آقا ملكى تبريزى رحمة الله روزى پس از پايان درس عازم حجره يكى از طلبه ها كه در مدرسه دارالشفا بود، به حجره آن طلبه وارد شد و پس از به جاى آوردن مراسم احترام و اندكى جلوس برخاست و حجره را ترك گفت. هدف از اين ديدار از او پرسيده شد در پاسخ فرمودند:

شب گذشته هنگام سحر، فيوضاتى بر من افاضه شد كه فهميدم از ناحيه خودم نيست و چون توجه كردم ديدم اين آقاى طلبه به تهجد برخاسته و در نماز شبش به من دعا مى كند و اين فيوضات اثر دعاى اوست اين بود كه بخاطر سپاسگزارى از عنايتش به ديدار او رفتم. » (97)

### 29- در حالات آقا نورالدين عراقى

شيخ الفقها، حضرت آيت الله العظمى آقاى اراكى رحمة الله در رابطه با مرحوم آقا نورالدين عراقى و نماز شب هاى ايشان اين داستان را نقل مى فرمايند:

«آقاى نورالدين مرد عجيبى بود، معروف بود كه نماز شب ايشان ديدنى است. شخصى به نام سيد محمود خوانسارى از اهل منبر، طالب شد كه او را ببيند: چون صداى العفو العفو ايشان توى كوچه مى آمد، و مردم از توى كوچه گوش مى گرفتند، اين آقا، خواست كه خود مجلس نماز شب خواندن آقا نورالدين را ببيند.

شب هاى ماه مبارك بود و مرحوم آقا نورالدين از عده اى از جمله از آقاى خوانسارى براى افطار دعوت كرد، آقا سيد محمود خودش گفت، وقتى افطار تمام شد و همه رفتند، من نشستم، ديد من بلند نمى شوم، به خدمتكارش گفت : «دو تا رختخواب بياور» يك رختخواب خودش ‍ داشت، يكى را هم براى من آوردند.

من توى رختخواب كه رفتم نخوابيدم، مى خواستم سحر ايشان را ملاحظه كنم، سحر شد ديدم كه بلند شد رفت بيرون وضو گرفت و آمد مشغول نماز شد، وقتى كه رسيد به «العفو» ديدم چنان گريه بر او مستولى شد كه چندين دفعه بغض گلويش را گرفت، فكر مى كرد من در خواب هستم. (98)

### 30- خاطره اى از علامه طباطبايى رحمة الله

علامه سيد محمد حسين طباطبايى، صاحب تفسير شريف الميزان مى فرمايد: «چون به نجف اشرف براى تحصيل مشرف شدم از نقطه نظر قرابت و خويشاوندى، گاهگاهى به محضر مرحوم آيت الله حاج ميرزا على آقا قاضى قدس السره شرفياب مى شدم، تا اينكه يك روز جلو در مدرسه اى ايستاده بودم كه مرحوم قاضى از آنجا عبور مى كردند، چون به من رسيدند دست خود را روى شانه من گذرادند و گفتند:

اى فرزند! دنيا مى خواهى نماز شب بخوان، آخرت مى خواهى نماز شب بخوان.

اين سخن آنقدر در من اثر كرد كه از آن به بعد تا زمانى كه به ايران مراجعت كردم، پنج سال تمام در محضر قاضى روز و شب بسر مى بردم و آنى از ادراك فيض ايشان دريغ نمى كردم. »

عمل نمودن علامه به توصيه و سفارش استاد خود مرحوم قاضى و عنايت و توجه به مسائل عبادى و تهجد همراه با تفكر و تعمق در قرآن، علامه را به نقطه اى از اعتلاى معنوى مى رساند كه وقتى دست به قلم مى برد، چنان آثارى از خود بر جاى مى گذارد كه بدون شك در نوع خود بى نظير است، تفسير الميزان يكى از آن آثار است، كه پى بردن به ارزش آن مستلزم داشتن زمينه هاى علمى و تحقيقى لازم و برخوردارى از علوم قرآنى است. الميزان يك دوره كامل تفسير قرآن است كه در بيست جلد مدون گرديده است. (99)

### 31- نماز شب آقا نجفى قوچانى رحمة الله

مرحوم آقا نجفى قوچانى در كتاب سياحت شرق درباره نماز شب و دقت در اينكه براى كسى مزاحمت ايجاد نكنند مى نويسد:

«در اين حجره تازه كه حجره هامان وصل به هم بود از ميان طاقچه سوراخ نموديم و ريسمانى در آن كشيديم يك سر ريسمان در حجره رفيق بود و يك سر آن در حجره من، وقت خواب، آن سر را رفيق به پا دست يا دست خود مى بست و اين سر ريسمان را من به دست خود مى بستم، كه هر كدام زودتر بيدار شويم ديگرى را بدون اين كه صدايى بزنيم، به توسط همان ريسمان بيدار كنيم كه مبادا طلبه اى از صداى ما بيدار شود و راضى نباشد. » (100)

از ابتداى جوانى خود را بايد به عبادت ها به خصوص نماز شب عادت بدهيم، و خود را با اين كارها مانوس نماييم. و اوليا بايد به اين نكته توجه نمايند كه فرزندانشان را با نماز و فلسفه و آثار آن آشنا نمايند.

### 32- محدث قمى (شيخ عباس قمى)

محدث قمى در هنگام تلاوت قرآن وقتى به آيه شريفه و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون «جن و انس را نيافريديم مگر براى عبادت» مى رسيد لرزه بر اندامش مى افتاد و مى فرمود: «وا اسفا چقدر غافليم و چه اندازه از خدا دور افتاده ايم. در حالى كه عبادت و پرستش او هدف از آفرينش جن و انس بوده است و چرا ما از آن هدف مبارك دور افتاده باشيم» و اين ورد زبان ايشان بود و هر جا كه منبر مى رفت و موعظه مى كرد فلسفه آفرينش موجودات و انسان را ياد آورى مى كرد و مى گفت «فراموش نكنيد كه عبادت خدا هدف خلقت است. » فرزند ايشان مرحوم حجة الاسلام آقاى حاج ميرزاى على محدث زاده نقل كرده است «پدرم شب جمعه اى پس از نماز شب، در نجف اشرف مشغول خواندن سوره «يس» مى شود وقتى كه به آيه شريفه هذه جهنم التى كنتم توعدون مى رسد چند بار آن را تكرار كرده و مكررا مى گويد «اعوذبالله من النار» پناه مى برم به خداوند از آتش جهنم و چنان منقلب مى شود كه نمى تواند بقيه سوره را بخواند و به همان حال باقى مى ماند تا هنگام اذان صبح كه مشغول نماز صبح مى شود» (101)

### 33- آه و ناله امام در دل شب

يكى از اساتيد قم نقل مى كرد كه شبى مهمان حاج آقا مصطفى بودم در همين قم قبل از اين كه امام به زندان و تبعيد كشيده بشود، البته حاج آقا مصطفى هم منزل آقا بودند، خانه جداگانه اى نداشتند گفت نصف شب از خواب پريدم و ديدم كه صداى آه ناله در خانه بلند است و نگران شدم كه چه اتفاقى افتاده در خانه، حاج آقا مصطفى كه پهلويم خوابيده بود بيدارش ‍ كردم و گفتم «بلند شو ببين در خانه ات چه خبر است. »

مرحوم حاج آقا مصطفى بلند شدند و نشستند و گوش فرا دادند و دوباره گرفتند خوابيدند و گفتند: «آقا است، مشغول تهجد مى باشد. مشغول عبادت است. (102)

### 34- نماز شب امام قدس‌سره هرگز ترك نشد

پنجاه سال است كه نماز شب امام خمينى ترك نشده، امام در بيمارى، در صحت، در زندان، در خلاصى، در تبعيد، حتى در روى تخت بيمارستان قلب هم نماز شب مى خواند.

امام در قم بيمار شدند به دستور اطبا امام به تهران مى بايست منتقل شوند. هوا بسيار سرد بود و برف مى باريد، يخبندان عجيبى در جاده ها وجود داشت. امام چندين ساعت در آمبولانس بودند و پس از انتقال به بيمارستان باز نماز شب خواندند.

امام شبى كه از پاريس به سوى تهران مى آمدند تمام افراد در هواپيما خوابيده بودند وتنها امام در طبقه بالاى هواپيما نماز شب مى خواندند.

و شما اگر از نزديك ديده باشيد آثار اشك بر گونه هاى مبارك امام حكايت از شب زنده دارى و گريه هاى نيمه شب وى دارد.

جالب اين است كه امام هميشه موقع نماز عطر و بوى خوش مصرف مى كنند و شايد بدون بوى خوش سر نماز نايستاده باشند، حتى در نجف هم كه نماز شب را پشت بام مى خواندند در همان پشت بام نيز يك شيشه عطر داشتند. (103)

### 35- شهيد قدوسى رحمة الله و نماز شب

در رابطه با اين حالات اين شهيد بزرگوار گفته شده كه : او حتى به مستحبات و مكروهات، بسيار اهميت مى داد. نماز شب را براى روحانى لازم مى دانست. يك شب در مسجد گوهرشاد با نگرانى مى فرمود: «ابراهيم بسيار ناگوار و غيره منتظره بود كه شنيدم، يكى از اساتيد مدرسه حقانى مقيد به نماز شب نيست. با ايشان صحبت كردم، معلوم شد سبكى معده را در شب رعايت نمى كند. » بار ديگر مى فرمود: ما وقتى در نهاوند بوديم، سالى يك بار به صورت خانوادگى منزل يكى از آشنايان دعوت مى شديم من پس از تكرار چند نوبت، ديدم همان شبى كه ما در آن مهمانى غذا مى خوريم، نماز صبح روز بعد به آخر وقت كشيده مى شود و موفق به نماز شب نمى شويم. متوجه شدم در اموال آن شخص اشكالى وجود دارد. » (104)

### 36- نماز شب شهيد مطهرى رحمة الله در منزل رهبر انقلاب

حضرت آيت الله خامنه اى «ادام ظله» رهبر بزرگ انقلاب اسلامى ايران چنين مى فرمايند:

«مرحوم مطهرى يك مرد اهل عبادت و اهل تسويه و تزكيه اخلاق و روح بود من فراموش نمى كنم. ايشان وقتى به مشهد مى آمد خيلى از اوقات به منزل ما وارد مى شد گاهى هم ورودشان در منزل خويشاوندان همسرشان بود.

هر شبى كه ما با مرحوم مطهرى بوديم، اين مرد نيمه شب، تهجد با ناله داشت. يعنى نماز شب مى خواند و گريه مى كرد به طورى كه صداى گريه و مناجات او افراد را از خواب بيدار مى كرد.

يك شب ايشان منزل ما بودند نصف شب از صداى گريه ايشان خانواده ما از خواب پريده بودند البته اول ملتفت نشده بودند صداى كيست، اما بعد فهميدند كه صداى آقاى مطهرى است بله ايشان نصف شب نماز شب مى خواند همراه با گريه، با صدايى كه از آن اطلاق مى شد، آن را شنيد. (105)

### 37- استاد شهيد رحمة الله و شب زنده دارى

يكى از خصوصيات استاد مطهرى رحمة الله عنايت زياد به تهجد و شب زنده دارى بود و از دوران طلبگى تا آخر عمر، بدان پايبند بودند.

يكى از دوستانش درباره ايشان مى گويد:

«از ويژگى هاى آن مرحوم، تقيد و علاقه مفرط ايشان بود به ذكر و دعا و شب بيدارى.

به ياد دارم كه در همان اوايل آشنايى ما با يكديگر، او به نماز شب مقيد بود و مرا نيز بدان تحريص مى كرد و من به بهانه اين كه اين حوض مدرسه شور و كثيف، و براى چشمانم مضر است از آن شانه خالى مى كردم تا اين كه شبى در خواب، ديدم كه : در خوابم و مردى مرا بيدار كرد و گفت : من عثمان بن حنيف نماينده حضرت اميرالمومنين على عليه‌السلام مى باشم و آن حضرت به تو دستور داده اند به پاى خيز و نماز شب را به پادار و اين نامه را نيز آن حضرت براى تو فرستاده اند. در آن نامه با حجم كوچكى كه داشت با خط سبز روشن نوشته بود: هذه براة لك من النار من در عالم خواب با توجه به فاصله زمانى كه حضرت على عليه‌السلام، متحيرانه نشسته بودم كه ناگاه در همان حال تحير مرحوم مرحوم آيت الله مطهرى مرا از خواب بيدار كرد و در حالى كه ظرف آبى در دست داشت گفت : اين آب را از رودخانه تهيه كرده ام برخيز و نماز شب بخوان و بهانه مجوى. » (106)

### 38- در حالات پدر استاد مطهرى رحمة الله

از زبان استاد شهيد مرتضى مطهرى نقل شده كه «ما يك سلسله لذت هاى معنوى داريم كه معنويت ما را بالا مى برد.

براى كسيكه اهل نماز شب باشد، جزو صادقين و صابرين و مستغفرين باشد، نماز شب لذت و بهجت دارد.

لهذا كسانى كه چنين توفيقاتى داشته اند و ما چنين اشخاصى را ديده ايم، به لذت هاى مادى اى كه ما دل بسته ايم هيچ اعتنا ندارند. چه مانعى دارد كه من ذكر خيرى از پدر بزرگوار خودم بكنم.

از وقتى كه يادم مى آيد (حداقل از چهل پيش) من مى ديدم كه اين مرد شريف هيچ وقت نمى گذاشت و نمى گذارد كه وقت خوابش از سه ساعت از شب گذشته تأخیر بيفتد.

شام را سر شب مى خورد و سه ساعت از شب گذشته مى خوابيد و حداقل دو ساعت به طلوع صبح مانده و شبهاى جمعه از سه ساعت به طلوع صبح مانده بيدار مى شود و حداقل قرآنى كه تلاوت مى كند يك جز است و با چه فراغت و آرامشى نماز شب مى خواند. حالا تقريبا صد سال از عمرش ‍ مى گذرد و هيچ وقت من نمى بينم كه يك خواب ناآرامى داشته باشيد، و همان لذت معنويست كه اين چنين نگهش داشته، يك شب نيست كه پدر مادرش را دعا نكند. يك نامادرى داشته كه به او خيلى ارادتمند است و مى گويد: خيلى به من محبت كرده است شبى نيست كه او را دعا نكند. يك شب نيست كه تمام خويشاوندان و ذى حقان و بستگان دور و نزديكش را ياد نكند. اينها دل را زنده مى كند.

آدمى اگر بخواهد از چنين لذتى بهره مند شود، ناچار از لذتهاى مادى تخفيف مى دهد تا به آن لذت عميق الهى برسد. » (107)

### 39- نماز شب در شب عمليات

از برادر صحتى خواهش كردم از حالت بچه ها در شب پيش از عمليات برايم بگويد. گفت : «در شب حمله بيشتر بچه ها دعا مى خوانند. نماز شب مى خوانند. هر كسى هم كه معمولا نماز شب نمى خواند، آن شب مى خواند بچه ها از خداوند و از همديگر طلب بخشش مى كنند كسانى كه وصيت نامه ننوشته اند، وصيت نامه شان را مى نويسند، بعضى ها زيارت عاشورا مى خوانند و خيلى ها گريه مى كنند.

هر گوشه اى را كه نگاه كنى، كسى را مى بينى كه در حال خواندن دعا است و گريه مى كند حالتى روحانى به وجود مى آيد بعضى ها از برادرانشان قول مى گيرند كه اگر شهيدى شدى نزد خدا مرا شفاعت كن، و بعضى ها نماز شكر مى خوانند...

رزمندگان از چادرها بيرون آمده بودند و با آب سرد وضو مى گرفتند و به سوى چادر نماز خانه گردان مى شتافتند كه بلند گوى آن اكنون ندا مى داد: حى على الصلوة - حى على الصلوة... (108)

### 40- مناجات با معبود در اسارتگاه

به ياد دارم اولين روزى كه به همراه عده اى از دوستان به آسايشگاه 17 منتقل شديم با ديدن آن همه افراد در آن آسايشگاه متعجب شده بودم و به اين فكر فرو رفتم كه هنگام خواب چگونه اين همه افراد در كنار يكديگر مى توانند خود را جا دهند به خاطر خستگى روحى، شب اول زود به خواب رفتم ناخود آگاه نيمه هاى شب از خواب بيدار شدم. صداى زمزمه اى به گوشم رسيد.

از جاى خود بلند شدم و به اطراف نگاه كردم با بهت و ناباورى تمام، مشاهده كردم كه حدود سه چهارم آسايشگاه به صورت انفرادى مشغول مناجات و خواندن نماز شب و تلاوت قرآن كريم هستند نزديكترين فردى كه كنارم نشسته بود پرسيد: «حالت بهتر شده» دلم مى خواست از خجالت زمين دهان باز كند و مرا در خود فرو ببرد با شرمندگى جواب دادم كه : بله!

پرسيدم : «بچه ها هر شب اين برنامه را دارند؟» گفت : بله!

اكنون جواب سوالى را كه از اول غروب در مورد تنگى جا براى خواب در ذهنم نقش بسته بود گرفته بودم : اكثر بچه ها تمام طول شب را در حال مناجات با معبود خود مى گذراندند. (109)

## فصل دوم : نيايش نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

خداى من! سرور من! منم، بنده بيچاره تو همان كه هيچ هيچ بودم، تو با عنايت هايت هستى ام بخشيدى و با بزرگوارى هايت كرامتم دادى و با فيوضات و تفضلاتت، نعمتهايى بى شمار ارزانيم داشتى.

سرور من! تويى كه بر من نعمتها بخشيدى ؛ تويى كه در حق من كرامت ها روا داشتى تويى كه با من نيكى ها كردى ؛ تويى كه بر من منت ها نهادى ؛ تويى كه بر من فيوضاتت و بركاتت باريدى ؛ تويى كه نيازهايم بر آوردى ؛ تويى كه نقص هايم به كمال رساندى ؛ تويى كه روزيم دادى ؛

تويى كه پناهم دادى ؛ تويى كه ياريم رساندى ؛ تويى كه بدى هايم را پوشاندى ؛ تويى كه گناهانم را بخشودى ؛ تويى كه از خطرها ايمنم داشتى ؛

تويى كه در بيمارى ها شفايم دادى، تويى كه در بيراهى ها راهم نمودى، تويى كه از من جانبدارى ها كردى ؛ تويى كه با من نيكى ها و مهربانى ها و بنده نوازى ها نمودى.

و من، منم كه خطا كردم ؛ منم كه عصيان ورزيدم ؛ منم كه پاس تو را نداشتم ؛ منم كه حرمت تو را شكستم ؛ منم كه فرمان تو را زير پا نهادم ؛ منم كه از تو روگرداندم ؛ منم كه به بيراهه افتادم ؛ منم كه كژروى كردم ؛ منم كه تبهكارى نمودم، منم كه ناسپاسى ورزيدم ؛ منم كه پيمان تو شكستم ؛ منم كه پيوند تو بريدم ؛ منم كه كور و كر شدم ؛ منم كه نفهمى و جهالت ورزيدم ؛ و منم كه به گرداب تباهى و سياهى در افتادم.

مولاى من! من همانم كه راهم نمودى، بيراهى كردم ؛ به كارهايى فرمانم دادى، نافرمانى كردم ؛ از كارهايى بازم داشتى، به انجام آنها حرص ورزيدم ؛ و اينك، نه رويى دارم كه پوزش خواهم و نه زبانى دارم كه عذر آورم، اينك چگونه به تو رو آورم و با تو سخن گويم؟ با روى سياهم؟ با دامن آلوده ام؟ با زبان پليدم؟ با گوش پلشتم؟ با دست گناهكارم با پاى عصيان ورزيدم؟...

مگر اينها همه نعمتهايى نيست كه تو به من بخشيدى و من همه را در نافرمانى و ناخرسندى تو به كار بردم؟

واى بر من! واى بر من! چنان گناهكارم و ناسپاسم كه اگر زمين از گناهكارى هايم آگاه بود، بى گمان مى شكافت و مرا در خود فرو مى بلعيد، اگر كوه ها از وزر ورزى هايم با خبر بودند، پاره پاره مى شدند و بر سرم فرو كوبيده مى گشتند، اگر درياها ناسپاسى هايم را مى دانستند، مى خروشيدند و مرا به كام گرداب هايشان فرو مى كشيدند.

واى بر من! واى بر من! اگر كيفر گناهانم را و مجازات ناسپاسى هايم را به آخرت واگذارى.

واى بر من! واى بر من! اگر در قيامت رو سياه، سرافكنده، دست به گردن بسته، و پشت شكسته به محشرم آورى، از من حسابرسى كنى، با من به اعمالم معامله كنى و به عدل و داد پاداش و كيفرم دهى.

چه خساراتى! چه بيچارگيى! چه شرمساريى! كاش آنچه از آن مى ترسم، امروز در اين دنيا به سرم فرود آيد و آن روز در آن دنيا در پيشگاه خدايم، مولايم و سرورم رو سياه، بى آبرو و شرمسارم نسازد. شگفتا از مهربانى و بنده نوازى خداى من! من معصيت او مى ورزم و حرمت او مى شكنم و فرمان او زير پا مى گذارم، اما به جاى من اوست كه شرم مى كند؛

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| كرم بين و لطف خداوندگار |  | گنه بنده كرده است و او شرمسار |

بدى هاى مرا مى پوشاند، گناهان مرا پنهان مى دارد، خوبى هاى مرا آشكار مى سازد، چنانكه گويا هرگز نافرمانى او نكرده ام و عصيان او نورزيده ام.

من به بهاى خشم او، بندگان او را خرسند مى سازم، اما او كار مرا به بندگان وا نمى گذارد و خود از روى مهربانى و بنده نوازى كارسازيم مى كند.

من فرمان او را سبك مى شمارم و به گناه و نافرمانى او تن مى دهم و آنچه را او نمى پسندد انجام مى دهم، اما او نه تنها گناه مرا مى پوشاند كه بر آنان كه مرا به گناهم عيب مى گيرند و سرزنش مى كنند خشم مى آورد (110)، گناهانم را از پدر و مادرم پنهان مى دارد، مبادا بر من تندى كنند و سخت گيرند؛ از دوستان و آشنايان و همسايگان پنهان مى دارند، مبادا سرزنشم كنند و زبان به بدگوييم گشايند؛ از محتسب و داروغه و پاسبان و پاسدار و قانون و قاضى پنهان مى دارد، مبادا دستگيرم كنند به زندانم برند شلاقم زنند و كيفرم دهند... راستى اگر آنها آنچه را خدا مى داند و از آنان پنهان داشته است، مى دانستند با من چه ها كه نمى كردند؟

خداى من! مولاى من! اگر مى دانستم كه پس از مرگ زنده ام نمى سازى، خود را مى كشتم كه از رويايى با تو در قيامت سخت شرمسارم و از شرمسارى آن روز در برابر تو و گزيدگان تو سخت بيزارم.

مولاى من آن چنان از نفس نافرمان خود خشمگين و بيزارم كه اگر مى توانستم كيفر تو را برتابم و عذاب تو را تاب آورم، هرگز از تو درخواست بخشايش نمى كردم، بلكه از تو مى خواستم مرا، مرا كه حرمت و حضور تو را پاس نداشتم و مهر و بنده نوازى، و بخشش و بزرگوارى تو را با ناسپاسى پاسخ دادم، به پاداش اين همه حق ناشناسى و ناسپاسى، سخت كيفر دهى.

مولاى من! در كار و بار خود بس انديشه ها كردم، اما به جايى نرسيدم، براى اصلاح نفس خويش تدبيرها انديشيدم، اما طرفى برنبستم، براى اخلاص ‍ در عبادت كوشش ها كردم، اما توفيق نيافتم و براى دور ماندن از وسوسه هاى شيطان ترفندها نمودم، اما از آنها ايمن نماندم، هرگاه گامى به تو نزديك شدم، چندين گام مرا از تو دور داشتند، اينك بيچاره و درمانده، دريافته ام كه جز با توفيق و يارى تو نمى توان كارى از پيش برد اينك به يقين مى دانم كه انجام طاعت، پرهيز از معصيت و اخلاق در عبادت هيچ كدام بى توفيق و يارى تو امكان پذير نيست و ناگزيرم از همه جا رانده، از همه سو اميد بريده، درمانده و بيچاره، روسياه و شرمنده، در حاليكه كه به گناهانم به تباهى هايم، به بد كارى هايم، به ناروايى هايم، به پليدى هايم، به پلشتى هايم، به كژروى هايم و به بيراهى هايم اقرار و اعتراف دارم، به سوى تو رو كرده ام، به رحمت تو چشم دوخته ام و به يقين مى دانم كه براى رهايى از اين گردابى كه خود خويش را بدان در افكنده ام جز رحمت تو هيچ دستاويزى ندارم، تنها تويى كه مى توانى - اگر بر من منت گذارى - از اين همه گرفتارى رهايم سازى، از اين مرداب تعفن بيرونم آورى و كرامت و شرافتم بخشى.

مولاى من! اينك من با گناهانى كه كرده ام، با وزرهايى كه ورزيده ام، با ناسپاسى هايى كه نموده ام، سخت رسوا و بى آبرو مانده ام، و خود را جز اينكه بر من خشم آوردى، به سختى كيفرم دهى و حتى از درگاه خويش ‍ برانى، در خور هيچ چيزى نمى دانم. مگر اينكه مهربانى تو به فريادم رسد، بنده نوازى تو دستم گيرد و بخشايش تو پناهم دهد تا گناهانم ببخشايى، پليدى هايم بپيرايى، از آلودگى ها پاكم سازى بدى هايم را به چندين برابر نيكى برافزايى و با فضل خويش از اين هاويه به پايگاهى بلند فرايم برى.

مولاى من! اگر فضل و كرم تو مرا در خور بخشش و احسان نداند و به دليل ناشايستگى از درگاه تو نوميدم سازد، آيا جز از بزرگوارى و بخشندگى تو و جز از مهربانى و بنده نوازى تو از راه ديگرى مى توانم در خورى و شايستگى به دست آورم؟

مولاى من! اگر گناهانم روسياهم ساخته و ريزش رحمت تو را بر من جلو گرفته، از راه ديگرى در مى آيم و روسفيدى و آبرومندى گزيدگان و پاكانت را شفيع خويش مى سازم و تو را بدان عزيزان گزيده سوگند مى دهم تا بر من و ناسپاسى ها و گناهكارى هاى من نگيرى و مرا از مهربانى و بنده نوازى خويش محروم ندارى، و آنگونه كه ساحران فرعون را به موسى و هارون بخشيدى و پذيرفتى : مرا نيز به محمد و آل محمد عليهم‌السلام ببخشى و بپذيرى، كه خود آن عزيزان معصوم را شرف شفاعت بخشيده اى و آنان را ميانجيان ميان خود و بندگان گناهكارت ساخته اى، پس خداى من! به آبروى آنان من رسوايى بى آبرو را بپذير، به اخلاص آنان بى اخلاصى هاى مرا بر من مگير، به عبادت و طاعت آنان، گناه و معصيت مرا ببخشا، به نيكويى و پسنديدگى آنان، از سستى ها و تنبلى هاى من چشم بپوش، به پاكى و پيراستگى آنان پليدى ها و پلشتى هاى مرا بشوى : و همان گونه كه بر من منت نهاده اى و به معرفت و ولايت آنان توفيق بخشيده اى، مرا از شيعيان، دوستداران، پيروان و نزديكان آنان بشمار، در قيامت با آنان و ياران آنان محشور كن و شرف هم نشينى و همسايگى با آنان را روزيم ساز، به كتابم به ديده قبول بنگر، آن را از من بپذير و در قيامت به دست راستم ده كه من هر چند در نوشتن آن، نتوانسته ام اخلاص و خلوص را چنانكه بايد رعايت كنم، اما آن را به دست عزيزان درگاهت و به واسطه گزيدگان معصومت به حضور قداست عرضه مى دارم، به خاطر آنان، آن را از من بپذير و ناخالصى ها و كاستى هاى آن را بر من مگير.

مولاى من اگر در نوشتن اين كتاب به من توفيق بخشيده اى كه در اندكى از آن اخلاص را رعايت كرده باشم، همان اندك را به لطف خود بر همه كتاب بگستر، كه اين شيوه كريمان و بزرگواران است كه اگر در كارى و پيشكشى خيرى اندك نيز ببينند، همان خير اندك را بر همه آن گسترش مى دهند و همه آن را به ديده قبول مى نگرند، تو نيز اگر اندكى و ذره اى خير و نيكى در اين كتاب من هست، با بزرگوارى خويش همان اندك را بر همه آن بگستران، به ويژه كه من كتابم را به دست برترين بندگانت، عزيزترين آفريدگانت و گرامى ترين گزيدگانت به حضرتت تقديم مى دارم و ناخالصى و تيرگى من هر چه باشد، چيزى نيست كه در برابر روشنى و پاكى آنان به ديد آيد. نيز اين شيوه پسنديده توست كه عاصيان را به طفيل مطيعان، ناپاكان را به طفيل پاكان و ناخالصان را به طفيل خالصان بپذيرى، پس توسل و شفاعت مرا به عزيزان درگاهت پذيرا باش و كتابم را كه به دست پاك آنان به تو تقديم داشته ام بپذير، و پاداشم را پيش از آنكه به ديدارت آيم، رضا و خرسنديت و سپس ديدارت، ديدارت، ديدارت قرار بده رضاك قبل لقاك ثم لقاك لقاك لقاك

البته تو پاكتر و بزرگتر از آنى كه رضا و خرسنديت به هيچ علتى نياز داشته باشد، چه رسد به من و كتاب من، به بى نيازى خودت آن را بپذير، و به بزرگوارى خودت آن را مايه سود مومنان و بهانه بخشش و بخششايش من و خوانندگان ساز، آن را از شما نوشته هاى دوستانت كه از روى صدق و خلوص نوشته شده اند، به حساب آر كه بر آوردن اينها همه، هيچ بر تو سنگين و چيزى از ملك و عزت تو نمى كاهد.

خداى من! من خود از خوف و خشيتى كه دارم، اين كتاب را نه از حسنات و نيكى ها كه از سيئات و بدى ها مى شمارم : اما از بزرگوارى تو دور نمى دانم كه اين سيئه را به حسنه بدل كنى و اين بدى را با نيكى جايگزين سازى و در قيامت آن را به دست راستم دهى، چشمم را بدان روشن دارى و دلم را بدان شاد سازى تا آن را ببوسم و بر سينه گذارم و بدان انس گيرم و شادمانه بگويم : اين چيزى است كه خداى من و سرورم من از من پذيرفته و بدان به ديده قبول نگريسته است و تو را سپاس كه مرا چنين به فضل و كرمت اميدوار ساخته اى، كه اگر اين اميدوارى ها نبود، بى گمان نوميدى و بد گمانى كار مرا مى ساخت، و ترس از كيفر تباهم مى كرد پس سپاس خداى را كه پروردگار جهانيان است و درود بر محمد و آل عليهم‌السلام كه گزيدگان و عزيزان اويند.

خدايا! ظاهرمان را به عبادتت، باطنمان را به معرفتت، دلمان را به محبتت، روحمان را به مشاهدتت و سرمان را به پيوستگى با حضرتت، روشن ساز و بر محمد و آل عليهم‌السلام درود بفرست، و به آبروى آنان بى عذاب بخششمان ده، بى حساب بهشتمان ده، بى عتاب عفومان كن. بى حجاب ديدارت روزيمان كن. (111)

## فصل سوم : نماز شب در اشعار

### شب...

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى شب اى تشريف قرآن را سلام |  | اى ره معراج را اول مقام |
| اى شب اى آگاه، از راز حرم |  | با همه شب زنده داران، همقدم |
| شب، نماز «مصطفى» را ديده است |  | شب، مناجات «على» بشنيده است |
| هست با گوش دل شب، آشنا |  | صوت زهرا و حسين و مجتبى |
| ديده شب، دور، از چشم همه |  | اشك زينب ديد و، دفن فاطمه |
| شب، شنيده نغمه سجاد را |  | و آن خروش و، ناله و فرياد را |
| شب، به سجده، گريه باقر بديد |  | ناله ها در خلوت صادق شنيد |
| شب، درون مجلس هارون گريست |  | درمناجاتش چو موسى خون گريست |
| شب، تماشا كرده، در حال دعا |  | اشك شوق عشق، بر چشم رضا |
| ديده شب، در سجده گاه ذوالمنن |  | هم تقى و هم نقى و هم حسن |
| شب، كنون دارد جلاى ديگرى |  | از نماز «حجت بن العسكرى» |
| در دل شب، عاشقان پاكباز |  | با خداى خويش، در راز و نياز |
| با چنين رخشنده گوهرهاى شب |  | من كيم، تا نام رب، آرم به لب (112) |

### قم ايها المزمل (علامه حسن حسن زاده آملى)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| شد گاه وصل دلدار، قم ايها المزمل |  | آمد زمان ديدار، قم ايها المزمل |
| وقت سفر رسيده، يعنى سحر رسيده |  | بيدار باش، بيدار! قم ايها المزمل |
| مستان گريه سر كن غم ازدلت بدركن |  | هشيار باش، هشيار! قم ايها المزمل |
| بزم طرب بپا كن، ناى و چلپ بپا كن |  | مى خوان سرود ديدار، قم ايها المزمل |
| در خلوت شبانه، با دلبر يگانه |  | نجوى بود سزاوار، قم ايها المزمل |
| دست دعا برآور شور و نوا برآور |  | با سوز و آه بسيار، قم ايها المزمل |
| بر ماه و بر ستاره، بارى نما نظاره |  | اندر دل شب تار، قم ايها المزمل |
| اينك نه وقت خواب است كاين خواب تو حجاب است |  | از نيل فيض دادار، قم ايها المزمل |
| اى بيخبر ز هستى! گر از خوديت رستى |  | يابى به كوى دل بار، قم ايها المزمل |
| بيرون ز ما و من باش، آزاده چون حسن باش |  | درراه وصل دلدار، قم ايها المزمل (113) |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| باز، شب آمد بدنها خسته شد |  | خستگان خفتند و، درها بسته شد |
| جز در رحمت، كه هرگز بسته نيست |  | عشق اگر باشدكسى دل خسته نيست |
| شب گذشت از نيمه و، آيات رب |  | شد نمايان تر، به لوح تيره شب |
| اختران در آسمان چشمك زنان |  | با اشارت، بسته از گفتن زبان |
| هریكى درجاى خود خوب وقشنگ |  | هريكى بر دل زند چون زهره چنگ |
| گردش اين اختران و اين «زمين» |  | قدرت حق را نمايش بس ‍ همين |
| آسمان و، لوح زينت بخش آن |  | رمز مليون سال نورى، نقش‍ آن |
| شب همه زيبايى وخوش منظرى است |  | روز كى در آسمانش ‍مشترى است |
| اين عطارد اين اورانوس اين زحل |  | آيتى روشن، ز نور لم يزل |
| در مدار عشق، «نپتون» رهسپار |  | مى رود «مريخ» هم بى اختيار |
| «ماه» همچون عاشق سرگشته اى |  | مات و حيران، در پى گم گشته اى |
| محو نور لا يزالى «كهكشان» |  | جذبه دلبر برد او را كشان |
| خط نورى، از «شهاب ثاقب» است |  | شب، خداوندا چه ماه و جالب است |
| اين شب و، اين رازها و، اين سكوت |  | رمز تسبيح خداى لا يموت (114) |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اين منم، بيدار، از هول گناه |  | مى كنم، بر آسمان شب نگاه |
| اين منم، از راه دور افتاده اى |  | رايگان، عمر خود از كف داده اى |
| اين منم، در دست غفلت ها اسير |  | اى خداى مهربان، دستم بگير |
| گر چه من پا تا به سر، آلوده ام |  | رخ به درگاه تو آخر سوده ام |
| جانم از غم سوزد و، دارم خروش |  | اى خداى رازدار پرده پوش |
| آمدم، با چشم گريان آمدم |  | گر گنه كارم، پشيمان آمدم |
| يا رئوف و، يا رحيم و، يا رفيع |  | چهارده معصوم را آرم شفيع |
| ناگهان، آمد به گوش دل ندا |  | مژده اى از رحمت بى انتها |
| «يا عبادى، الذين اسرفوا» |  | از نويد رحمتم، «لا تقنطوا» |
| با چنين رافت كه مى خوانى مرا |  | كى خداوندا، بسوزانى مرا |
| كى شود نوميد، از رحمت (حسان) |  | تا كه دارد چون تو ربى مهربان (115) |

والسلام

## پی نوشت ها :

1- درس اخلاق مقام معظم رهبرى، ص 47

2- وسائل شيعه، ج 5، ص 268.

3- وسائل الشيعه، ج 5، ص 268، شرف المومن صلاته بالليل و عزه كفه عن اعراض ‍ الناس.

4- وسائل الشيعه، ج 5، ص 268، صلاة الليل يذهب بما عمل من ذنب بالنهار.

5- وسائل الشيعه، ج 5، ص 271: عليكم بصلاوة الليل فانها سنة نبيكم و داب الصالحين قبلكم

6- سوره مزمل، آيه 6: برنامه عبادى نيمه شب استوارتر، از نظر يكسو بودن گفتار با كردار، پا برجا است.

7- مناجات المحبين از مناجات خمس عشرة، مفاتيح الجنان، ص 124.

8- سوره الاسراء، آيه 79.

9- سوره الزمر، آيه 9.

10 سوره ذاريات، آيه 17.

11- سوره سجده، آيه 16

12- سوره مزمل، آيه 6.

13- سوره دهر، آيه 26.

14- سوره دهر، آيه 25.

15- سوره آل عمران، آيه 17.

16- سوره آل عمران، آيه 112.

17- سوره فرقان، آيه 64.

18- سوره المزمل، آيه 2.

19- سوره الفجر، آيه 3.

20- وسايل الشيعه، ج 1، ص 516 / بحارالانوار، ج 87، ص 148.

21- بحار الانوار، ج 87، ص 139 / من لايحضره، ج 4، ص 13.

22- بحارالانوار، ج 83، ص 126 / ثواب الاعمال، مترجم، ص 97.

23- بحارالانوار، ج 87، ص 141.

24- شب مردان خدا، ص 24.

25- بحارالانوار، ج 78 ص 380.

26- تفسير على بن ابراهيم قمى، ج 2، ص 25. شب مردان خدا، ص 24.

27- بحار الانوار، ج 87، ص 156.

28- ميزان الحكمه، ج 5، ص 418.

29- ميزان الحكمه، ج 5، ص 423.

30- نورالثقلين، ج 3، ص 263.

31- بحارالانوار، ج 8، ص 126.

32- سوره سجده، آيه 17.

33- بحارالانوار، ج 8، ص 126.

34- علل الشرايع، ص 366؛ نورالثقلين، ج 3، ص 204.

35- بحارالانوار، ج 74، ص 352.

36- خصال، ج 1، ص 116؛ نورالثقلين، ج 3، ص 205.

37- ثواب الاعمال، ص 99.

38- سفينة البحار، ج 2، ص 80.

39- قصار الجمل، ج 1، ص 392

40- ارشاد قلوب، فصل 22؛ المواعظ العدديه مشكينى، ص 72.

41- ثواب الاعمال، ص 96.

42- ثواب الاعمال، ص 99.

43- بحارلانوار، ج 87، ص 154.

44- المواعظ العدديه مشكينى، ص 258.

45- اصول كافى، ج 4 ص 234.

46- بحارالانوار، ج 78 ص 139

47- رساله لقاء الله، ص 171، بحارالانوار، ج 87، ص 158، حديث 46.

48- بحار الانوار، ج 87، ص 137 / شب مردان خدا، ص 22 / نماز، نياز عاشقان، ص ‍ 87.

49- اسرار الصلوة، حاج ميرزا جواد ملكى تبريزى، ص 455.

50- بحارالانوار، ج 87، ص 167، قسمت آخر حديث 9 / شب مردان خدا، ص 93.

51- اسرار الصلوة، حاج ميرزا جواد ملكى تبريزى، ص 454.

52- شمع سحر، ص 29

53- توحيد صدوق ص 97.

54- تفسير موضوعى قرآن مجيد، ج 4.

55- اسرارالصلوة، حاج ميرزا جواد ملكى تبريزى، ص 158.

56- آداب تلاوت قرآن، ص 72.

57- سوره مائده، آيه 35.

58- من لا يحضره الفقيه ج 1، ص 483.

59- نماز، نياز عاشقان، ص 119.

60- مجموعه فرمايشات حضرت بقية الله، ص 76.

61- فرازى از توقيع امام زمان (عج)، كلمة المهدى، ص 143.

62- نماز عاشقان، ص 96.

63- سوره آل عمران، آيات 192 و 193.

64- سوز سحر گاهى، ص 41.

65- سوره آل عمران، آيه 190 و 191.

66- شب مردان خدا، ص 56.

67- اسرار الصلوة، ص 214 / داستان ها و حكايت هاى نماز، ج 1، ص 15.

68- منتهى الامال، ج 1، ص 97/ داستانها و حكايتهاى نماز، ج 1، ص 17.

69- زينب الكبرى ( عليها‌السلام)، ص 82/ داستان نماز عارفان، ص 44.

70- بحار، ج 11، ص 23. داستان هاى نماز، ص 47.

71- مجموعه ورام ج 1، ص 517. شب مردان خدا ص 60.

72- منتهى الامال، ج 2، ص 985.

73- منتهى الامال، ج 2، ص 1001.

74- داستان جوانان، ص 36/ مراة العقول : ج 2، ص 77.

آورده اند: اويس قرن، مردى عارف بود كه در سير و سلوك معنوى و طاعت حضرت حق به مقامى والا رسيد.

اويس بعضى شبها را به حالت عبادت در ركوع به صبح مى رساند و برخى شبها را در حال سجده به پايان مى برد.

اويس مى فرمود: اى كاش از ازل تا ابد يك شب بود و من آن شب را به ركوع يا سجده به سر مى بردم.

اويس چون از خود فانى گشته بود آن زمينى آسمانى گشته بود

75- قصص العلماء، ص 173 / سوز سحرگاهى، ص 31.

76- قصص العلما، ص 193/نماز، نياز عاشقان، ص 113.

77- قصص العلماء ص 19/نماز نياز عاشقان، ص 121.

78- سوره سجده، آيه 17: «احدى نمى داند كه به پاداش عملشان چه چشم روشنى ها براى آنان، ذخيره گرديده است».

79- سوره يس آيات 70 و 69: «قرآن، چيزى جز يادآورى روشن نيست ؛ تا كسى كه را كه زنده است، هشدار دهد»

80- سوره فاطر، آيه 22: «تو (اى پيامبر) به مردگان گورستان نمى توانى چيزى بشنوانى»

81- شب مردان خدا، ص 44.

82- قصص العلماء ص 123. سوز سحرگاهى، ص 28.

83- قصص العلماء، ص 137. سوز سحرگاهى ص 29.

84- مراد فرزند ايشان است كه بعدها معروف شد به علامه مجلسى كه يكى از بزرگترين مفاخر شيعه محسوب مى گردد.

85- وحيد بهبهانى، ص 100. نماز، نياز عاشقان، ص 114.

86- كشكول ممتاز، ص 580.

87- سوز سحرگاهى، ص 29.

88- قصص العلماء ص 73. نماز عاشقان، ص 117.

در حالات بعضى بزرگان نقل مى كنند كه فرمودند: «شبها ملائكه مرا براى نافله شب بيدارم مى كردند ولى گاهى صدا مى زدند: آقا پاشو، بعضى سحرها مى گفتند: آشيخ پاشو، بعضى سحرها مى گفتند: ا، ا، پاشو، وقتى دقت كردم ديدم اعمالى كه در روز انجام مى دهم در صدا زدن شبم تاءثير دارد، روزهايى كه خيلى مراقبم، شب ها آقايم مى خوانند، روزهايى كه كمى نقصان هست آشيخ صدايم مى زنند و روزهايى كه خطايى دارم، با لفظ ا، ا، ندايم مى دهند.

89- داستانها و حكايت هاى نماز، ج 2، ص 28.

90- داستانهاى نماز، ص 79.

91- قيامت و قرآن، ص 253، شهيد محراب آيت الله دستغيب.

92- نشان از بى نشان ها، ص 85.

علامه امينى صاحب الغدير يك ماه در مشهد بود، شبى هزار ركعت نماز مى خواند آن وقت گفتند؛ آقا شما از خواندن هزار ركعت نماز خسته نمى شويد؟

جواب فرمودند. ماهى از شنا خسته نمى شود.

93- داستان ها و حكايتهاى نماز، ج 2 ص 50.

94- رسالة لقاء الله، ص 130.

95- قصص العلماء ص 123/ نماز، نياز عاشقان، ص 114.

96- رساله لقاءالله ص 128.

97- رساله لقا الله، پيش گفتار، ص ه

98- مجله حوزه، شماره دوازده، سال دوم، ص 24.

99- حبيب و محبوب، ص 32.

100- سياحت شرق، ص 198.

101- حاج شيخ عباس قمى مرد تقوى و فضيلت / حبيب و محبوب، ص 45.

102- سرگذشت هاى ويژه از زندگى حضرت امام خمينى (ره)، ج 1، ص 91.

103- سرگذشت هاى ويژه از زندگى حضرت امام خمينى (ره)، ج 2، ص 51.

104- يادنامه شهيد قدوسى، ص 76.

105- سرگذشت هاى ويژه از زندگى شهيد مطهرى، ج 1، ص 88.

106- يادنامه استاد شهيد مرتضى مطهرى، ج 1، ص 173.

فرزند استاد شهيد مرتضى مطهرى ضمن تشريح وقايع شهادت استاد، چنين مى گويد:

«آن شبى كه خبر ترور پدرم را شنيدم همگى تا صبح بيدار بوديم، ساعت دو و نيم بعد از نيمه شب بود كه زنگ ساعتى كه ايشان را مطابق معمول براى نماز شب بيدار مى كرد به صدا در آمد ولى ديگر او در قيد حيات نبود، او نماز شبش را در ميان خون مطهرش، زودتر از موعد نماز شب در تاريكى خيابان خوانده بود. »

107- حق و باطل، ص 170.

108- ديدارى از جبهه عشق و خون. ص 62. داستان هاى نماز، ص 115

109- ديدارى از جبهه عشق و خون، ص 62/داستانهاى نماز، ص 118.

110- اشاره به رواياتى كه ما را از سرزنش گناهكاران به سختى بازداشته و آن را سبب خشم خدا دانسته اند.

111- سلوك عارفانه، ترجمه : المراقبات فى اعمال السنة، تاليف عارف كامل مرحوم حاج ميرزا جواد ملكى تبريزى، ترجمه : سيد محمد راستگو، ص 479.

112- خلوتگاه راز، ص 9 حبيب الله چايچيان (حسان)

113- ساقه هاى سبز قنوت، ص 122.

114- خلوتگاه راز، ص 8

115- خلوتگاه راز، ص 9

فهرست مطالب

[تقديم به محضر مقدس 2](#_Toc383594970)

[نماز شب در كلام مقام معظم رهبرى 3](#_Toc383594971)

[مقدمه حضرت آية الله جعفر سبحانى دام عزه 4](#_Toc383594972)

[مقدمه 7](#_Toc383594973)

[بخش اول : در فضيلت، احكام و آداب نماز شب 9](#_Toc383594974)

[فصل اول : نماز شب از ديدگاه قرآن 9](#_Toc383594975)

[فصل دوم : نماز شب در احاديث معصومين عليه‌السلام 11](#_Toc383594976)

[الف : اهميت نماز شب 11](#_Toc383594977)

[ب : آثار و فوايد نماز شب 15](#_Toc383594978)

[ج : فوايد ديگر نماز شب 18](#_Toc383594979)

[فصل سوم : احكام و آداب نماز شب 23](#_Toc383594980)

[كيفيت خواندن نماز شب 25](#_Toc383594981)

[علت محروميت از شب زنده دارى 26](#_Toc383594982)

[نماز شب براى فرج امام زمان (عج) 30](#_Toc383594983)

[بخش دوم 32](#_Toc383594984)

[فصل اول : چهل داستان در اهميت نماز شب 32](#_Toc383594985)

[1- نماز و شكرگزارى پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله 32](#_Toc383594986)

[2- على عليه‌السلام و عبادت هاى نيمه شب 33](#_Toc383594987)

[3- علت گريه حضرت على عليه‌السلام 35](#_Toc383594988)

[4- نماز شب حضرت زهرا ( عليها‌السلام) 36](#_Toc383594989)

[5- نماز شب حضرت زينب ( عليها‌السلام) 37](#_Toc383594990)

[6-امام سجاد عليه‌السلام و عبادت على عليه‌السلام 37](#_Toc383594991)

[7- مناجات هاى امام صادق عليه‌السلام 38](#_Toc383594992)

[8- امام هادى عليه‌السلام و نماز شب 38](#_Toc383594993)

[9- جوانى كه با نماز قلبش منور بود 38](#_Toc383594994)

[10- در حالات علامه بحرالعلوم رحمة الله 39](#_Toc383594995)

[11- شيخ جعفر كاشف الغطاء مرد دعا و نيايش 40](#_Toc383594996)

[12- نماز شب در همه جا و همه وقت 41](#_Toc383594997)

[13- در حالات مرحوم كاشف الغطاء 41](#_Toc383594998)

[14- در حالات عالم بزرگوار حجة الاسلام شفتى 43](#_Toc383594999)

[15- شب هاى پرشور حجة الاسلام شفتى 43](#_Toc383595000)

[16- دعاى پدرى بزرگ در حق پسر به هنگام سحر 44](#_Toc383595001)

[17- قافله سحرخيزان 44](#_Toc383595002)

[18- تسبيح در و ديوار همراه با عارف وارسته ملا محمد كاشى 45](#_Toc383595003)

[19- ميرزا سليمان تنكابنى 45](#_Toc383595004)

[20- عبادت تا به چه حد مى رسد 46](#_Toc383595005)

[21- نمازهاى ملا هادى سبزوارى 46](#_Toc383595006)

[22- مقامات مقدس اردبيلى از بركت نماز شب 47](#_Toc383595007)

[23- در حالات حاج شيخ حسنعلى اصفهانى رحمة الله (معروف به نخودكى) 48](#_Toc383595008)

[24- مادر آيت الله ميرزا مهدى شيرازى رحمة الله 49](#_Toc383595009)

[25- نماز شب و نورافشانى خانه ها 49](#_Toc383595010)

[26- در حالات ملا محمد اشرفى 49](#_Toc383595011)

[27- مرحوم ملكى تبريزى و نماز شب 50](#_Toc383595012)

[28- در نماز شب مومنين را دعا كنيد 50](#_Toc383595013)

[29- در حالات آقا نورالدين عراقى 51](#_Toc383595014)

[30- خاطره اى از علامه طباطبايى رحمة الله 51](#_Toc383595015)

[31- نماز شب آقا نجفى قوچانى رحمة الله 52](#_Toc383595016)

[32- محدث قمى (شيخ عباس قمى) 53](#_Toc383595017)

[33- آه و ناله امام در دل شب 54](#_Toc383595018)

[34- نماز شب امام قدس‌سره هرگز ترك نشد 54](#_Toc383595019)

[35- شهيد قدوسى رحمة الله و نماز شب 55](#_Toc383595020)

[36- نماز شب شهيد مطهرى رحمة الله در منزل رهبر انقلاب 55](#_Toc383595021)

[37- استاد شهيد رحمة الله و شب زنده دارى 56](#_Toc383595022)

[38- در حالات پدر استاد مطهرى رحمة الله 57](#_Toc383595023)

[39- نماز شب در شب عمليات 58](#_Toc383595024)

[40- مناجات با معبود در اسارتگاه 58](#_Toc383595025)

[فصل دوم : نيايش نامه 59](#_Toc383595026)

[فصل سوم : نماز شب در اشعار 66](#_Toc383595027)

[شب... 66](#_Toc383595028)

[قم ايها المزمل (علامه حسن حسن زاده آملى) 66](#_Toc383595029)

[پی نوشت ها : 69](#_Toc383595030)

[فهرست مطالب 75](#_Toc383595031)